



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



Handwritten signature or date in the bottom left corner.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلوه وصال

نویسنده:

یعقوب علی برجی

ناشر چاپی:

آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	جلوه وصال
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۴	مقدمه
۱۷	پیشگفتار
۲۲	گفتار اول: اهتمام به نماز در سیره و کلام امام رضا (علیه السلام)
۲۲	اشاره
۲۶	کیفر سستی در نماز
۲۸	اهتمام به نماز اول وقت
۳۴	رعایت آداب نماز
۳۴	اشاره
۳۴	الف) آداب باطنی
۳۸	ب) آداب ظاهری
۴۲	اهتمام به نماز شب
۴۶	گفتار دوم: اسرار و حکمت های نماز
۴۶	اشاره
۴۷	حکمت ها و اسرار مقدمات نماز
۴۷	الف: طهارت
۴۷	اشاره
۴۷	۱ وضو
۴۸	۲ غسل
۵۰	ب: اوقات نماز
۵۳	حکمت ها و اسرار نماز

۵۳	الف: وجوب نماز
۵۳	اشاره
۵۴	۱ اقرار به ربوبیت
۵۵	۲ خاکساری و تواضع
۵۷	۳ دوری از گناه
۵۸	۴ تعظیم خداوند
۶۰	۵ یاد خدا
۶۱	۶ طلب فزونی در دین و دنیا
۶۳	۷ طلب مغفرت
۶۵	ب: اجزای نماز
۶۵	۱ اذان و اقامه
۶۹	۲ قیام
۶۹	۳ تکبیر
۷۰	۴ قرائت
۷۳	۵ رکوع
۷۴	۶ سجود
۷۶	گفتار سوم: نماز جماعت، جمعه و عید
۷۶	اشاره
۷۷	نماز جماعت
۷۷	اشاره
۷۷	اسرار نماز جماعت
۷۹	نماز جمعه
۸۰	نماز عید
۸۴	منابع:
۸۸	درباره مرکز

سرشناسنامه: علی برجی، یعقوب، ۱۳۲۰ -

عنوان و نام پدیدآور: جلوه وصال / یعقوب علی برجی؛ تهیه و تدوین اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی.

مشخصات نشر: مشهد: قدس رضوی، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۸۰ ص؛ ۱۷ * ۱۲ س م.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۸۴-۵۴-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم: ۲۱۵۳-۲۰۳ ق. نظریه درباره نماز.

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی اداره امور فرهنگی .

رده بندی کنگره - ۱۳۸۷ ج ۳۶ ب/ ۳۵/۴۷BP

رده بندی دیویی = ۹۵۷/۲۹۷

شماره کتابخانه ملی: ۱۲۲۰۰۲۸

ص: ۱

ص: ۳

جلوه وصال

نماز در سیره و کلام امام رضا (علیه السلام)

يعقوب علي برجی

ص: ۴

جلوه وصال

نویسنده: یعقوب علی برجی

تهیه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی

طراح گرافیک: رضا باباجانی

صفحه آرایی: محمود بازدار

نوبت چاپ: هفتم - ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰

ناشر: انتشارات قدس رضوی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۸۴-۵۴-۷

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی ضلع غربی اداره امور فرهنگی تلفن ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷ صندوق پستی:

۹۱۷۳۵-۳۵۱

حق چاپ محفوظ است □

ص: ۵

۷ / مقدمه

۱۰ / پیشگفتار

۱۵ / گفتار اول: اهتمام به نماز در سیره و کلام امام رضا (علیه السلام)

۱۹ / کیفیت سستی در نماز

۲۱ / اهتمام به نماز اول وقت

۲۷ / رعایت آداب نماز

۲۷ / آداب باطنی

۳۱ / آداب ظاهری

۳۵ / اهتمام به نماز شب

۳۹ / گفتار دوم: اسرار و حکمت های نماز

۴۰ / حکمت ها و اسرار مقدمات نماز

۴۰ / الف: طهارت

۴۰ / وضو

۴۱ / غسل

۴۳ / اوقات نماز

۴۶ / حکمت ها و اسرار نماز

۴۶ / وجوب نماز

۴۷ / اقرار به ربوبیت

۴۸ / خاکساری و تواضع

۵۰ / دوری از گناه

۵۱ / تعظیم خداوند

۵۳ / یاد خدا

۵۴ / طلب فرونی در دین و دنیا

ص: ۶

۵۶ / طلب مغفرت

۵۸ / اجزای نماز

۵۸ / اذان و اقامه

۶۲ / قیام

۶۲ / تکبیر

۶۳ / قرائت

۶۶ / رکوع

۶۷ / سجود

۶۹ / گفتار سوم: نماز جماعت، جمعه و عید

۷۰ / نماز جماعت

۷۰ / اسرار نماز جماعت

۷۲ / نماز جمعه

۷۳ / نماز عید

۷۷ / منابع

اهل بیت (علیهم السلام) گنجوران دانش اند. رودها و جویبارهای دانش که مزرعه ی جان آنان را در چهارده قرن اخیر سیراب و شاداب ساخته است، از بلندای قامت آسمانی این کوه نور، سرچشمه می گیرد. امام عالمان و عارفان علی (علیه السلام) فرمود: «ینحدر عنی السیل و لا یرقی الی الطیر» آبادانی و شادابی دیار علم و آگاهی از تالو فروزنده ی دانش این خاندان است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها»،

دانش اهل بیت (علیهم السلام) از جنس دریافتنی است نه آموختنی، علم حضوری است نه حصولی و این از آن جهت است که آنان حقیقت علم را با جان آسمانی خویش دریافته اند. حضرت علی (علیه السلام) در وصف عارفان (که خود آن حضرت مولای آنان است) فرمود: «هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره و با شروا روح الیقین».

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) سرسلسله ی این خاندان نور و روشنائی، هر چند که خود درس ناخوانده و مکتب نرفته برد، اما پیام و رسالت او، تلاوت و خواندن، آموختن و فرا گرفتن و علم و آگاهی بود. رسالت او با «اقرء» آغاز شد و با دانش و بینش که جان های شیفته را سرشار می کرد، تداوم یافت. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه».

او با رسالت خویش، جان های مرده را از مرداب روزمرگی و ضلالت ها تا باغستان بهشتی حیات و زندگی، رهنمون شد و انسان اسیر در کژراهه ها و پرت گاه های تباهی را به شاهراه

هدایت و صراط مستقیم فراخواند و در تن مرده ی آدمیت روحی دوباره دمید: «اذا دعا کم لما یحییکم» و بار گران جهل و نادانی را از دوش آنان فرو نهاد «لایضع عنهم اصرهم و الاغلال الی کانت علیهم».

و خاندان آن حضرت نیز که از چشمه ی حیات او سیراب بودند، همانند آن بزرگ، خورشید دانش و آگاهی را در گذرگاه اعصار فرا راه جویندگان دانش و بصیرت، تابان و فروزان نگه داشتند و با بهره مندی از انوار الهی او، مسیر پویندگان را روشن و جان جویندگان را تابناک و سرشار ساختند.

و امروز در عصر جاهلیت مدرن نیز، آنچه غبار راه انسان کمال جوی را فرو می نشاند و راه او را می تواند روشن کند بهره گیری و بازگشت به سرچشمه ی همان دانش و بصیرتی است که پیامبر اعظم و خاندان پاک و مطهر او (علیهم السلام) به انسان هدیه کردند و شاید امروز بیش از هر روز و روزگاری، انسان به آنچه پیامبر رحمت و آگاهی برای بشریت به ارمغان آورده نیازمند و محتاج باشد.

بی تردید کاوش در سرچشمه های نور اهل بیت (علیهم السلام) و بازخوانی سیره و آموزه های آن بزرگواران در روزگار ما - مانند همه ی روزگاران - خدمتی بزرگ به انسانیت است خدمتی که فراتر از آن خدمتی متصور نیست و از این روی بر تمامی کسانی که دل آنان برای انسان می تپد فرض است که با ژرف اندیشی و ژرف کاوی در معارف اهل بیت (علیهم السلام) گهرهای ناب و آموزه های رهایی بخش این گنجینه های عظیم و الهی را استخراج کنند و به بشر تشنه و جگر سوخته ی عصر حاضر ارائه نمایند. بر حسب وظیفه در جوار بارگاه عالم آل محمد (علیه السلام) برای

تمامی رهروان این راه و تمامی کسانی که در مسیر احیای امر اهل بیت (علیهم السلام) و تعلیم و تعلم معارف و علوم این خاندان مطهر تلاش و کوشش می کنند به ویژه اساتید بزرگوار و گرانمایه ای که در تألیف و تنظیم این مجموعه ارزشمند نقش داشته اند طلب سلامتی و بهروزی می کنیم و توفیق آنان را از درگاه حی علیم خواستاریم.

از زایران عزیز نیز می خواهیم نعمت بی نظیر زیارت پاره ی تن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را با بهره گیری از اندیشه، کلام و سیره ی آن امام همام به فرصتی برای تامین نیازهای معنوی و فکری خود تبدیل نمایند و با مطالعه آثار ارزشمندی مانند این مجموعه، توشه های سعادت و کمال را برای دنیا و آخرت خرد بگیرند و خدمتگزاران خود، در این آستان مقدس را نیز از دعا فراموش نکنند.

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

آستان قدس رضوی

ص: ۱۰

پیشگفتار

نماز، حضور در ضیافت معنوی و پر رمز و راز الهی است. (۱) نماز سکوی پرواز به سوی حق و برترین وسیله تقرب به خدا (۲) و نزدیک ترین حالات بنده نسبت به پروردگار جهانیان است. (۳) نماز ستون دین (۴)، محبوب ترین اعمال بندگان در محضر الهی (۵)، معراج مؤمنان (۶)، نور الهی (۷)، زینت اسلام و چراغ قلب مؤمنان است (۸). نماز کوثری همیشه جاری برای شست و شو و طهارت روح (۹)، دژ محکم در برابر حملات شیطان (۱۰) است و انسان را از پلیدی ها، منکرات و گناهان باز می دارد (۱۱)، آتش گناهان را خاموش، غم ها

- ۱- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: أَلَا إِنَّ الصَّلَاةَ مَادِبُهُ اللهُ فِي الْأَرْضِ قَدْ هُنَاهَا لِأَهْلِ رَحْمَتِهِ فَيَكُلُّ يَوْمَ خَمْسٍ مَرَّاتٍ. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۶.
- ۲- سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن أفضل ما يتقرب به العباد إلى ربهم وأحب ذلك إلى الله عز وجل ما هو؟ فقال: ما أعلم شيئاً بعد المعرفة أفضل من هذه الصلاة، ألا ترى أن العبد الصالح عيسى بن مريم (عليه السلام) قال: وأوصاني بالصلاة والزكاة ما دمت حياً وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۲۵.
- ۳- امام صادق (عليه السلام) فرمود: اقرب ما يكون العبد إلى الله وهو مساجد. ثواب الاعمال، ص ۶۰.
- ۴- عن جابر، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: الصلاة عمود الدين، مثلها كمثل عمود الفسطاط، إذا ثبت العمود ثبت الأوتاد والأطناب، وإذا مال العمود وانكسر لم يثبت وتد ولا طناب. ثواب الاعمال، ص ۱۷، ح ۱۲.
- ۵- عن ابن مسعود قال: سألت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) أي الأعمال أحب إلى الله؟ قال: الصلاة لوقتها، قلت: ثم أي شيء؟ قال: بر الوالدين، قلت: ثم أي شيء؟ قال: الجهاد في سبيل الله. وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۸۲، ح ۱۷.
- ۶- الصلاة معراج المؤمن، مستدرک سفینة البحار، ج ۶، ص ۳۳۳.
- ۷- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: الصلاة نور المؤمن، و الصلاة نور من الله. المعجم الكبير، ج ۱۹، ص ۱۰۶.
- ۸- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: لكل شيء زينه و زينه الإسلام الصلوات الخمس، و لكل شيء ركن و ركن المؤمن الصلاة، و لكل شيء سراج و سراج قلب المؤمن الصلوات الخمس
- ۹- عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): لو كان على باب دار أحدكم نهر و اغتسل في كل يوم منه خمس مرّات كان يبقى في جسده من الدرن شيء؟ قلت: لا، قال: فإنّ مثلاً لصلاة كمثل النهر الجاري كلما صلى صلاة كفرت ما بينهما من الذنوب. وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۷، ح ۳.
- ۱۰- حضرت علی (عليه السلام) فرمود: الصلوة حصن من سطوات الشيطان. غرر الحكم، ص ۵۹.
- ۱۱- «ان الصلاة تنهى عن الفحشا والمنكر» سورة عنكبوت (۲۹) آیه ۴۵.

و غصه ها را برطرف می سازد (۱). نماز همچون سری برای پیکر زیبای دین است. (۲) موجب نازل شدن رحمت های بی کران الهی بر بندگان است (۳). در دادگاه عدل الهی نخستین سؤال از نماز خواهد بود (۴)، اگر نماز بنده پاکیزه و مقبول باشد اعمال دیگرش نیز مقبول خواهد بود (۵). مواظبت بر نماز باعث نور و حجت و نجات از آتش می گردد (۶)، نور چشم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (۷) و وسیله ای برای زنده نگهداشتن یاد خداست (۸). در انتظار نماز به سر بردن، گنجی از گنج های پر بهای بهشت است (۹) و به هنگام فرا رسیدن وقت نماز درهای آسمان به روی بندگان باز می شود. (۱۰) پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: نماز از آیین های دین است؛ در آن خشنودی پروردگار عزوجل

۱- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ما من صلاه يحضر وقتها إلّا نادى ملك بيندى الناس، أيها الناس قوموا إلى نيرانكم أوتى أو قدتموها على ظهوركم فاطفئوها بصلواتكم. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۰۹.

۲- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: إنّما موضع الصّلاه من الدّین کموضع الرّاس منالجسد. الفردوس، ج ۴، ص ۱۵۷.

۳- حضرت علی (علیه السلام) فرمود: الصّلوه تنزل الرّحمه. غررالحکم، ص ۵۲.

۴- قال: و قال الصادق (علیه السلام): أوّل ما يحاسب به العبد الصّلاه، فإن قبلت قبل سائر عمله، و إذا ردّت ردّ علیه سائر عمله. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲، ح ۱۰.

۵- عن علی (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): إنّ عمود الدین الصّلاه و هی أوّل ما ينظر فيه من عمل ابن آدم فإن صحّت نظرفی عمله و إن لم تصح ينظر فی بقیه عمله. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲، ح ۱۳.

۶- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خمس صلوات من حافظ علیهنّ كانت له نورا و برهانا و نجاه یومالقیامه. کنز العمال، ج ۷، حدیث ۱۸۸۶۲.

۷- جعلت قرّه عینی فی الصلاه، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ج ۱، باب الصلاه.

۸- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: إنّما فرضت الصّلاه... لإقامه ذکر الله. احیاء علوم دین، ج ۱، ص ۲۸۸.

۹- عن علی (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): انتظار الصّلاه بعد الصّلاه کتیر من کنوز الجنّه. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۵، ح ۶.

۱۰- عن محمد بن مسلم، قال: سمعت أبا عبد الله (علیه السلام) یقول: إذا دخل وقت صلاه فتحت أبواب السمائل لصعود الاعمال، فما أحب أن یصعد أوّل من عملی، و لا یکتبفی الصحیفه أحد أوّل منی. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۷، ح ۲.

و راه روشن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و نماز گزار، محبت فرشتگان را با خود دارد. نماز، هدایت و ایمان، نور معرفت، برکت در روزی، آسایش تن، ناپسندی برای شیطان، پذیرش دعا و قبولی اعمال را به ارمغان می آورد. نماز، توشه‌ی مومن از دنیا به سوی آخرت، شفیع میان او و فرشته‌ی مرگ، انیس او در گور، فرش زیرش و پاسخ منکر و نکیر است. و نماز بنده هنگام محشر، تاجی بر سر اوست و نوری بر چهره اش، پوشش کالبدش، پرده‌ای میان او و آتش، حاجتی میان او و پروردگار بزرگ و با عظمتش، نجات تنش از آتش، برگه عبور از صراط، کلیدی برای بهشت، مهریه‌ی حورالعین و بهای بهشت است. بنده با نماز در فراز می آید، زیرا نماز تسبیح و تهلیل (لا اله الا الله گفتن) و سپاس و بزرگ داشت و مدح و تنزیه و سخن گفتن (با خدا) و دعاست. (۱)

(برای نماز گزار) سه ویژگی است: رحمت الهی او را از کف پایش تا کرانه‌ی آسمان در بر می گیرد و فرشتگان از روی سرش تا کرانه‌های آسمان گرداگرد او را می گیرند و فریاد کننده‌ای ندا در می دهد: اگر مناجات کننده می دانست با که مناجات می کند، باز نمی گشت. (۲)

ترک نماز، خدا را خشمگین (۳) و اعمال را تباه می سازد (۴). کسانی که به عمد نماز را ترک کنند، از دین بهره‌ای ندارند (۵) و آنان که نماز را سبک بشمارند، شیطان بر آنان چیره می شود و به گناهان

۱- خصال، ص ۵۲۲.

۲- ثواب الاعمال، ص ۵۷.

۳- پیامبر اکرم ۳ فرمود: من ترک صلاه لقی الله و هو علیه غضبان. المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۲۳۴.

۴- پیامبر اکرم ۳ فرمود: من ترک الصلاه معتمداً أحبط الله عمله. مسند ابنحنبل، ج ۹، ص ۱۲.

۵- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: من ترک الصلاه متعمداً فقد کفر چهاراً. عوالیاللالی، ج ۲، ص ۲۲۴.

بزرگ گرفتارشان می سازد.

و ما در این اثر چگونگی حضور در این ضیافت باشکوه را در تابلوی زیبای سیره و کلام عالم آل محمد امام رئوف حضرت رضا (علیه السلام) به نمایش گذاشته ایم و ارادتمندان به آن حضرت را به تماشای این تابلو زیبا دعوت می کنیم.

گفتار اول: اهتمام به نماز در سیره و کلام امام رضا (علیه السلام)

اشاره

فرصت وصال و نیایش و خلوت با محبوب برای محب و عاشق، بسیار مغتنم و لذت بخش است. و نماز یکی از این فرصت های طلائی برای وصال و نیایش با محبوب حقیقی و مطلق هستی است. لذا عاشقان دلباخته ی الهی به خلوت و نیایش با محبوب اهتمام می ورزند و از لحظه لحظه های زندگی برای خلوت و نیایش با محبوب و کسب رضایت الهی و انجام وظیفه بهره می برند. امام نیایش گران و نماز گزاران، هشتمین اختر تابناک هدایت، الگوی کاملی در بهره برداری از فرصت ها برای نیایش با محبوب حقیقی و مطلق هستی است.

رجاء ابن ابی ضحاک که مدتی محافظ و مواظب حضرت رضا (علیه السلام) بود و در طول سفر از مدینه تا مرو در رکاب حضرت بود، گزارش مفصلی از برنامه عبادی و نمازهای آن عاشق دلباخته الهی ارائه داده است.

رجاء ابن ضحاک می گوید:

«به خدا سوگند، من مردی باتقواتر از او ندیدم، کسی را ندیدم که در تمام اوقاتش بیشتر از او به یاد خدا باشد و خوفش از خدا از او شدیدتر باشد.

همین که فجر طلوع می کرد، نماز صبح را می خواند پس از آن مشغول دعا (تسبیح، تحمید، تکبیر، تهلیل...) بود تا طلوع آفتاب، پس از طلوع آفتاب سجده طولانی می کرد، پس از آن مشغول حدیث و موعظه مردم می شد تا نزدیک ظهر؛ نزدیک ظهر تجدید وضو کرده و به مصلاش می رفت، پس از اذان ابتدا هشت رکعت نافله ظهر می خواند، سپس اذان و اقامه می گفت و مشغول نماز ظهر می شد.

بعد از نماز ظهر مشغول دعا می شد و در پایان سر به سجده می گذاشت و صد مرتبه «شکراً لله» می گفت. پس از آن، نافله عصر می خواند و اذان و اقامه می گفت و نماز عصر می خواند. سپس مدت مدیدی تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل می گفت و در پایان سر به سجده می گذاشت و صد مرتبه «حمداً لله» می گفت. وقتی مغرب فرا می رسید وضو می گرفت و اذان و اقامه می گفت و نماز مغرب می خواند. بعد از نماز مدتی دعا می کرد، سپس چهار رکعت نافله عصر می خواند. به هنگام نماز عشاء، نماز و نافله اش را می خواند و به بستر می رفت. یک ثلث از شب گذشته از بستر بلند می شد، در حالی که زبانش به تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل و استغفار گویا بود. مسواک می زد، وضو می ساخت و به نماز شب مشغول می شد. در هر رکعت، حمد یک بار و «قل هو الله احد» را سی مرتبه می خواند. بعد از آن نماز جعفر طیار را می خواند، وقتی فجر فرا می رسید نماز نافله عصر را خوانده، پس از آن نماز صبح را می خواند...»^(۱)

امام نیایش گران و نماز گزاران، هشتمین اختر تابناک هدایت درباره اهمیت نماز فرمود:

«بدان که افضل واجبات بعد از معرفت خدای عزوجل نماز های پنجگانه است.»^(۲)

«به وقت قیامت بنده را به دادگاه الهی طلب می کنند و اول چیزی که از او می پرسند، درباره نماز است؛ پس اگر نماز را تمام و جامع و کامل ارائه داد، اهل نجات است و گرنه با خشم به

۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۹، ص ۹۱ تا ۹۵.

۲- «اعلم ان افضل الفرائض بعد معرفه الله عزوجل الصلاه الخمس» مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۵.

دوزخ انداخته می شود.» (۱)

«نماز، مطالبه وصال و تقرب بنده به سوی خداوند است» (۲)

اباصلت هروی گوید:

به «سرخس» مسافرت کردم و در آن جا در جلو زندان امام رضا (علیه السلام) رفتم تا اجازه بگیرم و به حضور آن حضرت برسم و احوال پرسى کنم. زندان بان ها به من اجازه ندادند و گفتن: «هیچ راهی نیست» گفتم: چرا؟

گفتند: زیرا امام رضا (علیه السلام) در بسیاری از اوقات شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند و فقط ساعتی در اول روز و قبل از ظهر و هنگام غروب در محل نمازش می نشیند و با خدا مناجات می کند.

گفتم: در همین موقع برای من اجازه بگیرید، اجازه گرفتند. خدمت آن حضرت رسیدم، دیدم در محراب خود نشسته و در اندیشه است... (۳)

در زیارت نامه آن حضرت می خوانیم:

«اشهد انك قد اقامت الصلوه و آتيت الزكاه و أمرت بالمعروف و نهيت عن المنكر و عبدت الله حتى أتاك اليقين.» (۴)

«گواهی می دهم که تو نماز را اقامه کرده، زکات داده ای، امر به معروف و نهی از منکر کردی، و خدا را عبادت کردی تا به مقام یقین رسیدی.»

۱- «اذا كان يومالقيامة يدعى بالعبء فاوّل شيء سئل عنه الصلاه فاذا جاء بها تامه و الا زخّ في النار» وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۱۹؛ المحججهالبيضاء، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲- «الصلاه طلب الوصال ال الله من العبد» بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۶۴.

۳- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۵۹؛ داستانها و حکایت های نماز، ص ۳۱.

۴- مفاتيح الجنان، ص ۹۱۴.

کیفر سستی در نماز

امام رضا (علیه السلام) فرموده است:

«تا وقتی که مؤمن نمازهای پنجگانه خود را به موقع و با شرایط به جا آورد، شیطان پیوسته از او ترسان و هراسان است، ولی هرگاه وی نماز خود را ضایع کند، شیطان بر او غالب می شود، و او را وارد گناهان بزرگ می نماید.»^(۱)

امام رضا (علیه السلام) از پدراناش از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:

«نمازهای خود را ضایع نکنید، زیرا هر که نماز را ضایع کند با «قارون» و «هامون» محشور می گردد... پس وای بر کسی که بر نمازهای واجب خود و انجام سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مراقبت ننماید.»^(۲)

امام رضا (علیه السلام) فرمود:

«بپرهیزید از این که در نماز سستی و تنبلی کنید یا در حق آن کوتاهی کنید، یا حد و حدودش را ضایع کنید، یا رکوع و سجده نماز را آن چنان از روی شتاب به جا آورید که گویی همچون خروس منقار می زنید، یا این که نماز را سبک بشمارید، یا این که به جای نماز به امور دنیایی سرگرم شوید، یا نماز را در وقت خود به جا نیاورید.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«هر که نمازش را سبک بشمارد، با من پیوند و وابستگی معنوی ندارد.»^(۳) سوگند به خدا، بر حوض کوثر در جوار من وارد

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۱.

۲- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۳۱؛ مسند الامام الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۵۶.

۳- مستدرک الوسیله، ج ۳، ص ۲۵، ح ۲۹۲۵.

نخواهد شد.»

امام رضا (علیه السلام) فرمود:

«هرگاه روز قیامت فرا رسد، بنده را می خوانند، پس اولین موضوعی که از او سؤال می شود، نماز است. اگر حدود و شرایط نماز را به طور کامل به جا آورده باشد، نجات می یابد، اگر نمازش را با شرایط و آداب صحت یا قبولی آن به جا نیاورده باشد، او را به آتش می افکنند.»^(۱)

«به درستی که نماز بهترین عبادت خداست. نماز بهترین صورتی است که خدا خلق کرده است. پس کسی که نماز کامل ادا کند، در حقیقت حق واجبش را ادا کرده است و هر کس که نماز را سبک بشمارد، به صورتش زده می شود (به او برگردانده می شود)»^(۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۹.

۲- جامع احادیث الشیعه، ج ۴، ص ۵.

اهتمام به نماز اول وقت

در خانه ی محبوب، اگرچه همیشه به روی بندگان و محبانش باز است اما محبوب مهربان هستی، اوقاتی از شبانه روز را برای نیایش و خلوت بندگانش اختصاص داده و از بندگانش برای حضور در ضیافت باشکوه نیایش، دعوت رسمی به عمل آورده است. در این اوقات درهای بیکران رحمتش را به روی بندگانش باز کرده و نیایش و نماز را برترین وسیله تقرب بندگانش قرار داده است. عاشقان کوی دوست و سالکان طریق کمال در انتظار رسیدن آن اوقات نورانی لحظه شماری می کنند و به هنگام فرا رسیدن آن اوقات شریف لبیک به دعوت محبوب را بر هر کاری مقدم می دارند. اهتمام به نماز اول وقت در سیره ی امام سالکان کوی دوست جلوه چشم گیری دارد، پیروان آن حضرت سیره ی امام خویش را نصب العین قرار می دهند و به پیروی از امامشان فرصت نماز اول وقت را هرگز از دست نمی دهند. اینک چند نمونه از سیره ی آن حضرت در توجه و اهتمام به نماز اول وقت را با هم مرور می کنیم.

ابراهیم بن موسی فزاز گوید:

«روزی در خراسان در مسجد، در خدمت امام رضا (علیه السلام) بودم، بر چیزی که از آن حضرت می خواستم، اصرار کردم. در این هنگام امام برای پیشواز یکی از جماعت طالبین بیرون رفت. در راه وقت نماز شده و امام به جانب ساختمانی که در آن جا بود روی آورد و در زیر صخره ای که در نزدیکی آن ساختمان بود،

فرود آمد. تنها من در خدمت حضرت بودم. حضرت فرمود: اذان بگو. عرض کردم: منتظر باشید تا اصحاب به ما بیوندند. امام فرمود: «غفر الله لك! لانوخرن صلواه عن اول وقتها الى آخر وقتها من غير علة: عليك ابدأ باول الوقت» خداوند، تو را بیامرزد! هرگز نماز را از اول وقت آن، بدون علت به تأخیر نمی اندازیم، همواره مراقب اول وقت باش. پس اذان گفتم و نماز خواندیم. پس از نماز، دوباره آن را که از حضرت خواستم، یادآور شدم. در آن هنگام امام با تازیانه ای خاک ها را کمی کنار زد، ناگاه از زیر خاک ها سکه ای از طلای ناب پدیدار گشت، امام (علیه السلام) آن را برداشت و فرمود: این سکه طلا را بگیر، خداوند برای تو در آن برکت قرار دهد و از آن سود ببری و آن چه را دیدی پنهان کن.»

ابراهیم گوید:

«خداوند برای من از آن سکه برکت فراوان قرار داد، آن چنان که در خراسان لوازم زیادی خریدم که قیمت آن ها به هفتاد هزار دینار طلا می رسید، و من از همه ی همگان خود توانگرتر و ثروتمندتر شدم.»^(۱)

رویداد دیگری در زندگی آن امام بزرگ به ثبت رسیده است که اهمیت بسیار بالا و حیاتی نماز اول وقت را روشن می سازد. در آن روزها که مأمون جلسه گفت و گو و مناظره تشکیل داده بود و امام (علیه السلام) را با عالمان بزرگ ادیان و مذاهب و مکاتب فلسفی به بحث واداشته بود و امام با عالمان مسیحی و متکلمان و فلسفه دانان به گفت و گو می پرداخت، در یکی از این مناظرات،

۱- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۱۵۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۹۹؛ منتهیالآمال، ج ۳، ص ۱۷۰۱.

عمران صابی که از عالمان بزرگ و متکلمان به نام زمان بود، چنین گفت:

«ای عالم و دانای مردم! اگر چنین نبود که تو همگان را به پرسش و سؤال فراخواندی، من هرگز از تو پرسشی نمی کردم، من به کوفه و بصره و شام و جزیره العرب رفته ام، و با متکلمان و سخنوران و دانایان زمانه دیدار داشته ام و هنوز کسی را ندیده ام که به سؤالاتم پاسخ قانع کننده بدهد. حال اجازه می دهی که از تو سؤال کنم؟»

حضرت فرمود:

«اگر در این جماعت کسی عمران صابی باشد، تو هستی؟»

عرض کرد: «آری، من عمران صابی ام.»

حضرت فرمود: «پرس ای عمران، ولی بانصاف باش و از سخن سست و بی دلیل و ناحق دوری جوی.»

گفت: «ای سید و آقای من! به خدا سوگند، چیزی جز آن نخواهم که برای من امری را ثابت کنی و من به آن بگروم و از آن در نگذرم.»

آن گاه عمران صابی سؤالاتش را پرسید و امام رضا (علیه السلام) به تمامی آنان پاسخ فرمود. (۱) در میانه ی گفتمان امام با عمران صابی، وقت نماز فرا رسید، امام رو به مأمون کرد و فرمود: «هنگام نماز است.»

عمران عرض کرد: «سرور من، بحث مرا قطع مکن، چرا که دل من آماده ی پذیرش سخنانت شده است.»

حضرت فرمود: «نماز می گزاریم و به گفت و گو باز می گردیم.»

۱- آوردن تمامی این پرسشها و پاسخها از فراخور این نوشته بیرون است و به کتاب مناظرات امام رضا (علیه السلام) رجوع کنید.

پس امام و مأمون از جای برخاستند. نماز که به پایان رسید، امام به مجلس بازگشتند و عمران صابی را خواستند و فرمودند: «پرس، ای عمران!» و باز همچنان عمران پرسش هایش را مطرح می کرد و امام پاسخ می داد و پس از پاسخ می فرمود (پاسخ سؤالت را) دریافتی؟ او پاسخ می گفت: «آری ای مولای من!» خوب فهمیدم. در پایان گفت و گو که به طول انجامید، عمران صابی به راه راست هدایت شد و شهادتین گفت و رو به قبله به سجده افتاد و اسلام آورد و... (۱)

حضرت امام رضا (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه ی: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (۲)؛ «مؤمنان کسانی هستند که بر نمازهای شان محافظت می کنند» فرموده است: «مراد خداوند متعال مواظبت بر اوقات نماز است.»

همچنین فرمودند:

«اوقات نماز را محافظت کنید (سعی کنید نماز را در اوقات مخصوص آن به جا آورید) زیرا هیچ بنده ای از آفت حوادث در امان نیست. کسی که وقت واجب نماز او فرا رسد، و از روی عمد از آن کوتاهی کند، (در وقت خود به جای نیورد) خطاکار است.» (۳)

خداوند در قرآن این گروه را مذمت کرده و فرموده است:

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (۴)

۱- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۱۵۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۹۹؛ منتهی الامال، ج ۳، ص ۱۷۰۱.

۲- سوره مؤمنون (۲۳) آیه ۹.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۶، ح ۳۱۰۷.

۴- سوره ماعون (۱۰۷) آیه ۴.

«وای بر آن دسته از نماز گزارانی که از نماز خود غافل اند.»

و نیز فرمود:

«مراد از ساهون در این آیه آن هایی هستند که غافل از اوقات نمازهای واجب خود هستند.»^(۱)

روشن است که شیطان همواره در کمین انسان نشسته است و از هر فرصتی استفاده می کند تا با نیرنگ ها و وسوسه های خود، آدمی را از مسیر درست و از رسیدن به کمال و تعالی بازدارد و او را با خود همراه سازد. شیطان بیشتر هم و غم خود را، معطوف نماز می کند و می داند که اگر بندگان به نماز اهمیت دهند، هیچ مجالتی برای جولان و یکه تازی او وجود نخواهد داشت.

امام رضا (علیه السلام) می فرماید:

«شیطان پیوسته از شخص مؤمن در وحشت و گریزان است، تا وقتی که بر نمازهای پنجگانه مراقبت و محافظت دارد. هنگامی که [با تأخیر از اول وقت و بی اعتنائی] آن ها را ضایع ساخت، شیطان بر او جرأت یافته و او را به ورطه ی گناهان بزرگ می اندازد.»^(۲)

به همین دلیل است که امام معصوم (علیه السلام) می فرماید: «امتحنوا شیعتنا عند مواقیت الصلاه کیف محافظتهم علیها؛ شیعیان ما را در اوقات نماز، آزمایش کنید که چگونه بر خواندن نماز در موعد مقرر محافظت می کنند.»^(۳)

امام رضا (علیه السلام) به یکی از اصحابش فرمود:

«ای فلانی! زمانی که وقت نماز فرا رسد، بر تو لازم است نماز را در اول وقت به جای آوری، زیرا تو نمی دانی بعداً چه پیش

۱- بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۲۰.

۲- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۷.

۳- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴.

خواهد آمد» (۱)

و نیز فرمود:

«برای هر نمازی سه وقت است: اول وقت، وسط وقت، آخر وقت. به جا آوردن نماز در اوّل وقت موجب خشنودی خدا، و در وسط آن عفو پروردگار، و در آخر وقت غفران و آمرزش الهی است و بهترین اوقات، اول وقت است و کسی حق ندارد آخر وقت را برای نماز انتخاب کند. همانا نماز آخر وقت برای کسی مجاز است که بیماری یا عذری داشته باشد، یا این که مسافر باشد» (۲)

نماز اول وقت افزون بر ثواب و اجری که دارد آثار و برکات متعددی به دنبال دارد، اما نماز در وسط وقت تنها ثواب داشته و آن برکات را در پی نخواهد داشت. هرگاه انسان نماز را در آخر وقت بخواند، از ثواب آن نیز کم خواهد شد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۷.

۲- مستدرک الوسایل، ج ۱، ص ۱۸۵؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۳۵۰.

رعایت آداب نماز

اشاره

هر ضیافتی آدابی دارد و برای بهره مندی بیشتر و بهتر از آن ضیافت باید آداب ضیافت را رعایت کرد. به راستی ضیافت باشکوه و پر رمز و راز نماز دارای چه آدابی است؟ اینک از زبان مخزن اسرار الهی، امام رضا (علیه السلام) که معرفت کاملی نسبت به این ضیافت و آداب آن دارد، آداب نماز را بهره مند می شویم:

«ادب نماز این است که آن را با حضور قلب و فراغت اعضا و جوارح از هر کاری، به جای آوری و با ذلت در مقابل خداوند بایستی و بهشت را در طرف راست خود بینی و آتش را در طرف چپ و صراط را پیش رو و خداوند را در مقابل.»^(۱)

از فرمایشات دُرّبار رضوی استفاده می شود که نماز آدابی باطنی و ظاهری دارد، وقتی شرایط و آداب باطنی رعایت شود بر ظاهر نماز گزار تأثیر گذاشته و آداب ظاهری نیز رعایت می شود.

الف) آداب باطنی

مقصود از آداب باطنی آن دسته از آدابی است که مربوط به قلب و باطن انسان هاست.

۱ حضور قلب

در تعریف حضور قلب آمده است:

«مقصود از حضور قلب، این است که در هنگام نماز، نزد نماز باشد، نه مشغول به امر دیگری که او را از نماز، غافل می کند و

۱- بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۶؛ فقه الرضا (علیه السلام)، ص ۴۳.

همین مقدار که نماز گزار قلبش، متوجه ظاهر و احوال و اقوال نماز باشد، در تحقیق حضور قلب، کافی است.»^(۱)

نماز گزار، بایستی همواره خود را در محضر خداوند متعال مشاهده کند (بین یدی الله تبارک و تعالی) و از پریشانی حواس و افکار غیرالهی بپرهیزد. نماز گزار، باید حریم اوامر الهی را بسیار بزرگ بشمارد و از عظمت پروردگار خویش خائف بوده و به رحمت و اسعیه ی پروردگار امید داشته باشد. او هنگامی که برای نماز ایستاده و به محل سجده چشم دوخته است، باید در ذهن خود مجسم کند که در برابر خدای قادر متعال ایستاده که او را می بیند و به آن چه در اعماق دلش می گذرد، آگاه است.

حضرت امام رضا (علیه السلام) در فرازهای سخنانش توجه به این چند نکته را در امر حضور قلب برای هر نماز گزاری ضروری دانسته اند:

نماز را با حضور قلب و فراغت اعضا و جوارح از هر کاری به جای آورد.

با ذلت در برابر خداوند بایستد.

بهشت را در طرف راست خود ببیند.

آتش دوزخ را در طرف چپ خود ببیند.

صراط را در پیش روی خود قرار دهد.

خداوند را در مقابل خود مشاهده کند.

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: «عبادت کن خدای تعالی را، چنان که گویا او را می بینی و اگر او را

نمی بینی، او تو را می بیند.»^(۲)

همچنین نماز گزار باید متوجه باشد که توجه به خدا، منحصرأ

۱- اسرار الصلاة، ملکی تبریزی، ص ۱۸۶.

۲- آداب الصلاة، ص ۴۵.

باید با قلب او باشد و درونش متوجه حضرت احدیت باشد؛ اما سر و صورت او آینه دل و تابع و پیرو آن است و توجه سر و صورت، به تنهایی ارزش ندارد.

بنده ای که دامن خدمت به کمر بسته است در برابر سید و مولای خود ایستاده است، چگونه ممکن است از او روی برتابد و افکارش را در غیر آن چه مولا می خواهد به کار اندازد؟ بی گمان چنین کاری، موجب محرومیت او از توفیق بندگی خواهد بود؛ کجا رسد که آن مولی خدای قادر متعال باشد که او را آفریده و همه مقدراتش را تقدیر نموده است.

حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقل فرموده اند: «مردی از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود به نام «قیس»، هنگامی که مشغول نماز شد، در رکعت اول مار سیاهی آمد و در موضع سجده قیس قرار گرفت، او با بی توجهی کامل به رکوع و سجده رفت، وقتی پیشانی برداشت، مار به گردن او پیچید، سپس وارد پیراهن او شد؛ ولی او به نمازش ادامه داد و از مار هم آسیبی به او نرسید.»^(۱)

سپس حضرت رضا (علیه السلام) قضیه ای را که برای خودشان رخ داده بود، نقل کرده و فرمود: «من روزی در فرع بودم (زمینی واقع در مابین مکه و مدینه) وقت نماز فرا رسید، پس پیاده شدم و به سوی بوته ی ثمامه رفتم (در بیابان عربستان گاهی بوته هایی که به قد یک درخت وجود دارد که از سایه شان به خوبی می توان

۱- «ان رجلاً من اصحاب علی (علیه السلام) یقال له قیسکان یصلی، فلما صلی رکعه اقبل اسود، فصار فی موضع السجود فلما نحی جبینة عن موضعه، تطوّق الاسود فی عنقه ثمانسب فی قمیصه.» بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۶۴. روشن است که این حکماختصاص به آن دسته از انسان هایی دارد که دارای مقام های بلند معنوی هستند اما انسان های عادی اجازه دارند در صورت بروز خطر جدی برای حفظ جان شان نماز رابه هم بزنند و از جان خود دفاع بکنند.

استفاده کرد). همین که به نماز ایستادم و رکعتی خواندم، یک افعی نزدیک من آمد و کنارم قرار گرفت و من متوجه نماز شدم و از آن نکاستم و کم نکردم. افعی به من نزدیک شد و سپس به طرف بوته برگشت. وقتی از نماز فارغ شدم، در حالی که دعا و تعقیباتم را نیز تخفیف نداده بودم، بعضی از یارانم را که همراهم بودند، فراخواندم و گفتم: پشت سر شما زیر بوته افعی است. پس او را کشتند. آنگاه امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فرمود: «هرکس از غیر خدا نترسد خداوند او را کفایت می نماید.»^(۱)

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «همانا نماز بهترین شیوه بندگی خداست و آن زیباترین شکلی است که خداوند آن را آفریده؛ پس کسی که به طور کامل و تمام آن را به جا آورد، حق واجب آن را ادا کرده است و کسی که در انجام آن کوتاهی کند، خدا آن را به صورتش می زند.»^(۲) ۲ خشوع و خضوع

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «بر تو باد در نماز به خشوع و خضوع و این که در پیشگاه خداوند، چنان خاشع و خاضع باشی که خشیت و خوف از سیمای تو ظاهر گردد.»^(۳)

خداوند متعال فرموده است: «به راستی مؤمنان رستگار شدند؛ آنان که در نمازهای شان خشوع کنندگان اند.»^(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۷.

۲- «ان الصلاة افضل العباده لله و هي احسنصوره خلقها الله، فمن اداها بكمالها و تمامها فقد ادى واجب حقها و متهاون فيها ضرب بها وجهه.» بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۶.

۳- «عليك بالخشوع و الخضوع متواضعاً بهعزوجل، متخاشعاً عليك خشيه و سيماء الخوف» آداب الصلاة، ص ۱۶۲

۴- «قد افلح المؤمنون، الذين هم فيصلاتهم خاشعون» مؤمنون(۲۳)، آیه ۲۱.

بنده ای که برای خدمت و عبادت در پیشگاه خدای متعال می ایستد، موظف است که با قلب و تمام جوارح و اعضاء اظهار عبودیت و بندگی کند. نماز گزار باید با طمأنینه و آرامش و هیبت و حیاء نماز بخواند و سر خود را پایین بیندازد و به موضع سجده بنگرد و گردن و پشت خود را راست نگه دارد و دست های خود را بر روی ران ها بگذارد، بدون این که با دست هایش بازی کند. کمال قلب در هنگام نماز به این است که این سخن خدای تبارک و تعالی را پیوسته در نظر داشته باشد که می فرماید: «هنگامی که بر پای می ایستی، در منظر پروردگارت هستی و او تو را می بیند.»^(۱)

(ب) آداب ظاهری

امام رضا (علیه السلام) در سخنان گهربار خود بیان فرموده اند:

«هرگاه خواستی نماز را به پای داری، پس با بی رغبتی و کسالت، خواب آلودگی، عجله و شتاب، بازی و سرگرمی به چیزی، به نماز مشغول نشو، بلکه نمازی به جای آور که سکون و حضور قلب و آرامش و تأنی در آن باشد. بر تو لازم است در نماز خاشع و خاضع باشی، و در پیشگاه خداوند جهان خود را خوار و ذلیل بدانی به طوری که خشیت و خوف از سیمای تو ظاهر شود، و به وسیله آرامش و بر اثر فراوانی ترس و ورعی که بر دلت عارض شده است، دو حالت «ترس» و «امید» در تو آشکار شود. پس در این حالت مقابل پروردگارت همچون بنده ی فراری گناهکار، که در مقابل مولایش قرار گرفته، بایست و قدم هایت را منظم کن، و خداوند را ناظر بدان زیرا اگر تو خدا را نمی بینی،

۱- اسرار الصلاة، ملکی تبریزی، ص ۲۶۲.

او تو را می بیند. با ریش و سایر اعضا و جوارحت بازی نکن، انگشتانت را به صدا در نیاور، بدنت را خارش مده، با بینی ات بازی مکن، با لباس هم بازی مکن، لثام زده نماز نخوان (مبادا چیزی در دهانت باشد که مانع اظهار صحیح کلمات یا مخارج حروف باشد) و برای زنان نیز روا نیست که با نقاب و روبند نماز بخوانند. هنگامی که در نماز ایستاده ای، چشمت را به موضع سجده بیفکن و در هنگام نماز از خودت جزع و ترس ظاهر کن و با دارا بودن این حالات ویژه، نشان بده که تو راغب به خدا هستی و به وی عشق می ورزی، در حال قیام گاهی به این پا، و گاهی به آن پایت تکیه مکن. همچون کسی که می خواهد با نماز وداع کند، نماز بگزار، طوری که دیگر موفق به ادای آن نمی شوی. بدان به یقین تو در برابر خداوند جبار هستی. بنابراین، به چیزی از اشیاء مشغول مشو و حدیث نفس مکن (چیزی غیر از یاد خدا را در درونت راه مده) و دلت را از همه چیز غیر از یاد خدا و عبادت او فارغ کن. و باید که فقط به کار نماز پردازی و حق آن را کاملاً ادا نمایی.

در حال نماز، به هنگام قیام دست هایت را روی ران هایت قرار ده، و در افتتاح نمازت تکبیر بگو و دست هایت را تا نرمة ی گوش بلند کن، به طوری که انگشت های ابهامت از گوش مقابل آن تجاوز نکند، و در قنوت نماز واجب دست هایت از سر تجاوز نکند. اما در نماز نافله و وتر مانعی نیست که دست ها از سر تجاوز کند.

هر گاه به رکوع رفتی، پس دست هایت را بر زانوهایت بگذار و انگشتانت را بگشا و دست هایت را جمع کن و از محاذی زانوها

و پاها خارج مکن و هنگام برخاستن از رکوع به تمام قامت بایست تا آن که مفاصلت کاملاً به مکان اصلی خود برگردد، و عروق و رگ ها جابه جا شود و سپس در سجده، پیشانیت و کف را بر زمین بگذار، و انگشتان دست هایت را هنگام سجده ببند، و به طرف قبله قرار ده و هرگاه نشستی، پس به قسمت راست بدن ننشین، بلکه طرف راست را بلند کن و بر طرف چپ بگذار و بر پهلوی خود بنشین و دست روی دست مگذار، بلکه دست هایت را آزاد کن و مستقیم بر ران ها بگذار، زیرا دست روی دست گذاشتن، عمل اهل کتاب است.

در هنگام نماز خمیازه مکش، و دست و پا دراز مکن و آروغ زن؛ و هرگاه این دو بر تو فشار آوردند، با سعی و کوشش از بروز آن جلوگیری کن و هرگاه عطسه کردی، پس «الحمد لله» بگو، و در موضع سجده ات حرکت نکن، و به جلو و عقب نرو، بلکه ثابت و بی حرکت باش ...

هرگاه به نماز ایستادی، با تمام توجه قلبی و درونی به خداوند روی آور، تا خداوند نیز به تو روی آورد، و برای نماز، وضوی شاداب و کامل بساز. و هرگاه خواستی سجده کنی پیشانیت را بر خاک بگذار. هرگاه به نمازت روی آوردی، و با توجه و حضور کامل قلبی به نماز ایستادی، و آداب و شرایط نماز را حفظ کردی و با همه وجودت به سوی خدا رفتی، او نیز با همه رحمت و مغفرت و عنایتش به تو روی خواهد آورد. هرگاه از خدا روی گردان شوی، خداوند نیز از تو روی گردان شود، و تو را به حال خود رها خواهد کرد» (۱)

از امام هشتم (علیه السلام) درباره کیفیت نماز کامل سؤال شد، حضرت فرمود:

«نماز کامل [که نماز گزار را از آفت فحشا و منکر بازدارد] نمازی است که دارای شرایط زیر باشد: ۱ حضور قلب ۲ فراغت جوارح و اعضا از هر چیز (غیر از یاد خدا) ۳ با کمال ذلت و خاکساری در برابر خدا ایستادن ۴ رسیدن به مرتبه یقین؛ که نماز گزار فرض کند بهشت طرف راست، جهنم سوزان طرف چپ، صراط پیش رو، و ذات اقدس الهی در مقابلش قرار دارد.»^(۱)

امام رضا (علیه السلام) فرموده است:

«نماز، صله (پیوند) و موهبتی است از طرف خداوند مهربان برای بنده از راه رحمت و عنایت. نماز، مطالبه ی وصال و راه رسیدن بنده به سوی خداوند است. البته هر گاه با نیت خالص وارد نماز شود، و با تعظیم و اجلال هر چه بیشتر برای خداوند تکبیر کند، و قرائت را با ترتیل بخواند، و با خشوع، رکوع را به جا آورد، و با تواضع سر از رکوع بردارد، و با ذلت و خضوع سر به سجده گذارد، و با اخلاص در حالی که امید به رحمت خدا دارد، تشهد خواند، سپس نمازش را با رغبتی تمام و با امید به رحمت بی کران الهی، سلام دهد، و به پایان رساند؛ و در حالی بین ترس و امید، این فریضه ی الهی را به انجام رساند. پس هر گاه کسی نماز را با چنین آداب و شرایطی به جا آورد، حقّ نماز را ادا کرده است.»^(۲)

۱- بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۶.

۲- مستدرک الوسيله، ج ۱، ص ۲۶۴.

اهتمام به نماز شب

چنان که از گزارش رجاء ابن ضحاک استفاده می شود، امام هشتم (علیه السلام) به انجام کامل نوافل (۱) یومیّه و نافله شب مداومت داشت. در گزارش دیگری از ابراهیم بن عباس چنین آمده است:

«سیره ی آن حضرت چنان بود که شب کم می خوابید و بیشتر شب را بیدار بود و به عبادت و نوافل مشغول بود.» (۲)

علاوه بر سیره ی عملی آن بزرگوار، در بیانات آن معصوم نیز سفارش فراوانی به نافله ی شب شده است.

امام رضا (علیه السلام) فرموده است:

«نماز شب، موجب خوشنودی خدا است.» (۳)

نیز فرمود:

«بر شما لازم است که در به جای آوردن نماز شب کوشا باشید. هر بنده ای در آخر شب برخیزد، و هشت رکعت نماز گزارد، سپس دو رکعت نماز شفع، و یک رکعت نماز وتر به جای آورد، و در قنوت آن هفتاد بار از خدا طلب آمرزش نماید، از عذاب قبر و آتش در پناه ایزدی قرار گیرد، و عمرش طولانی شود، و

۱- نمازهای مستحبی زیاد است و آن ها را نافله گویند و بین نمازهای مستحبی بهخواندن نافله های شبانه روز بیشتر سفارش شده و آن ها سی و چهار رکعت اند که هشت رکعت آن نافله ظهر که قبل از نماز ظهر خوانده شود و هشت رکعت نافله عصر که قبل از نماز عصر خوانده شود و چهار رکعت نافله مغرب که بعد از نماز مغرب خوانده شود و دو رکعت نافله عشا به صورت نشسته بعد از نماز عشا خوانده شود و یازده رکعت نافله شب، هشت رکعت آن به نیت نافله شب و دو رکعت آن نیت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر خوانده شود و دو رکعت نافله صبحمی باشد که قبل از نماز صبح خوانده می شود.

۲- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۹۷.

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۱۲. رضوان الله الصلاه بالیل.

وسعت رزق یابد.»(۱)

امام رضا (علیه السلام) از پدرشان و ایشان هم از جدشان نقل فرموده اند: از امام زین العابدین (علیه السلام) سؤال شد: چرا کسانی که نماز شب می خوانند از خوشروترین مردمانند؟

حضرت در پاسخ فرمود:

«زیرا آن ها با خدا خلوت کرده اند، و خداوند نیز ایشان را از نور خود پوشانده است.»(۲)

بدین سان سیره آن حضرت آن بود که به همه مستحبات اهتمام می ورزیدند و در انجام آن کیفیت آن بسیار می کوشیدند، اما به نماز شب و نماز جعفر طیار توجه خاص داشتند و هر دو را با هم می خواندند. نماز شب و نماز جعفر طیار وقتی تأثیر فراوان بر روح و معنویت انسان می گذارد که در خلوت و به دور از چشم دیگران و با نشاط روحی و کیفیت و به طور مکرر و مداوم انجام شود و اگر کسی به چنین توفیقی دست یابد، انوار الهی بر قلب او خواهد تابید.

دعبل خزائی، که از شعرای به نام بود، گوید:

وقتی قصیده معروف به «مدارس آیات» را سرودم، برای زیارت امام رضا (علیه السلام) به خراسان رفتم و شعر خودم را برای آن حضرت خواندم. آن حضرت آن را تحسین کرد و فرمود اشعارت را برای کسی نخوان تا من اجازه خواندن به تو بدهم.

خبر آمدن من به خراسان، به مأمون نیز رسید، مرا احضار کرد و حالم را پرسید و از من خواست تا شعر معروفم را برایش بخوانم، من گفتم: آن را نمی دانم. مأمون، به غلام خود گفت: علی بن

۱- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۱، ح ۵۳.

۲- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، باب ۲۸، حدیث ۲۸، ص ۵۷۴.

موسی الرضا (علیه السلام) را بخوان. چیزی نگذشت که حضرت آمد و به من فرمود: ای دعبل! اشعارت را بخوان. من اشعارم را خواندم، مأمون آن را تحسین کرد و پنج هزار درهم به من جایزه داد. امام رضا (علیه السلام) هم نزدیک به همین مبلغ را به من مرحمت فرمود. من از حضرت رضا (علیه السلام) خواستم که یکی از لباس هایش را به من بدهد تا آن را کفن خود قرار دهم. حضرت نپذیرفت و دستمال و پیراهنی از خز را به من داد و فرمود:

«نگه دار که در آن، هزار شب و در هر شب، هزار رکعت نماز خوانده ام و در آن هزار بار قرآن ختم کرده ام.»^(۱)

امام رضا (علیه السلام) فرموده اند:

«خانه هایی که در آن نماز شب خوانده می شود، بر اهل آسمان ها نور می دهند، همان طوری که ستارگان بر اهل زمین نور می دهند.»^(۲)

از امام (علیه السلام) سؤال شد: عبودیت چیست؟ امام فرمود: «در پنج چیز است: ۱ خالی بودن شکم، ۲ قرائت قرآن، ۳ نماز شب، ۴ تضرع در پیشگاه خدا در صبحگاهان، ۵ گریه و زاری از خوف خدا»^(۳)

«بر نماز شب و تهجد، مراقبت و مداومت کنید؛ زیرا که نماز شب، احترام به ساحت اقدس پروردگار است؛ آن موجب افزایش روزی می گردد و چهره ها را زیبا می سازد و رزق آن روز را

۱- «احتفظ بهذا القمیص، فقد صلیتفیه الف لیله، کلّ لیله الف رکعه و ختمت القرآن فیه الفختمه» بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۳۰۹؛ اصول وافی، ج ۲، ص ۱۱۴؛ المحججه البیضاء، ج ۴، ص ۲۸۴.

۲- «انّ البیوت التّیصلی باللیل یزهر نورها لأهل السماء كما یزهر الکواکب لاهل الارض» بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۶۱.

۳- «سئل [الرضا (علیه السلام)] عن العبودیة: قال (علیه السلام): العبودیة خمسة اشياء: خلوّ البطن و قرائته قرآن و قیاماللیل و التضرع عند الصبح و البكاء من خشية الله.» الموعظالعددیه، ص ۱۵۹.

ضمانت می کند. در نماز وتر درنگ و وقوف بسیار کنید؛ زیرا که در حدیث آمده است که: هر کس در نماز وتر خود، درنگ کند، وقوف و درنگ او در محشر و روز قیامت، اندک خواهد گشت. [\(۱\)](#)

«ای برادر! شب و روز بیهوده نمی گذرد؛ بلکه از گذشتنش، نقص به عمر آدمیان وارد می شود و این شب و روز، ساعت و لحظاتی است. پس اگر به لهو و لعب پرداختی، بدان که روز را به غفلت گذرانده ای و هرگاه شب فرا رسد و تو همه ی آن را به خواب رفتی، از جمله آن کسانی هستی که در شب و روز، هیچ خیری در او نیست و هر کس چنین باشد مردنش بهتر است از زنده بودنش؛ زیرا قلبش مرده است و هر کس قلبش مرده باشد، خیری در حیات بدن او نیست. ای برادر! بیدار باش که بیشتر عمرت در غفلت و خواب گذشت و غنیمت بدان باقیمانده عمر خود را و قیامت را فراموش مکن تا عاقبت به خیر باشی ...

ای برادر! هوشیار باش و تلاقی کن آن چه را که از توفوت شده است. بسیار بر خود گریه کن به خاطر این که موفق نمی شوی که به پروردگارت توجه کنی و به سوی او روی آوری.

عتاب کن نفس اماره خود را و قبول نکن عذرهایش را در ترک بیداری در شب؛ زیرا عذرهایش همه دروغ است و اگر رنج بیداری یک ساعت از شب را به خود هموار سازی، به یک راحت و نعمتی همیشگی خواهی رسید [\(۲\)](#)

۱- «حافظوا علی صلاه اللیل، فانها حرمه الرب، تدرّ الرزق و تحسن الوجه و تضمن رزق النهار و طولوا الوقوف فی الوتر؛ فانه روی: من طوّل الوقوف فی الوتر، قلّ وقوفه یوم القیامه» نشان از بی نشانها، ص ۴۲۷.

۲- ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۱۰ و ۱۳.

گفتار دوم: اسرار و حکمت های نماز

اشاره

حکمت ها و اسرار مقدمات نماز

الف: طهارت

اشاره

برای شرکت در هر ضیافتی، مقدمات متناسب با همان ضیافت را باید فراهم کرد. نماز شرکت در ضیافت خلوت و نیایش با خدایی است که پاکی مطلق، زیبایی مطلق و نور مطلق است و نماز گزار برای آمادگی شرکت در چنین ضیافتی باشکوه باید ابتدا ظاهرش را از آلودگی و باطنش را از پلیدی‌ها و رذایل باطنی پاک سازد و با گرفتن وضو، نورانیت پیدا کرده و با پوشیدن لباس تمیز و شانه کردن سر و صورت و زدن عطر با ظاهری آراسته برای شرکت در این ضیافت خود را آماده کند.

۱ وضو

امام پاکی‌ها و زیبایی‌ها در بیان اسرار وضو به طهارت ظاهر و باطن اشاره کرده و فرموده است:

۱ پاک بودن بنده هنگام ایستادن در مقابل خدا. (۱)

۲ پاکیزه شدن از آلودگی‌ها و نجاسات؛ (۲)

۳ در وضو، از بین رفتن کسالت و جلوگیری از حالت خواب آلودگی؛ (۳)

۴ پاک کردن قلب برای حضور در محضر خدای جبار. (۴)

۱- «لأن یكون طاهراً اذا قام بینیدی الجبار عند مناجاته»

۲- «نقیّاً من الأدناس و النجاسه»

۳- «مع ما فیه من ذهاب الکسل و طرد النعاس»

۴- «و تزکیه الفؤاد للقیام بینیدی الجبار»

در روایتی از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است:

«علت وضو، این است که انسان در نماز، می خواهد با اعضای ظاهرش که همان اعضای وضوست در مقابل خداوند بایستد و فرشتگان را ملاقات کند، پس شستن صورت برای سجده و خضوع در آن است؛ شستن دو دست به سبب آن است که آن ها را به درگاه خدا بالا می برد و پایین می آورد و با آن دو کف، رغبت و رهبت و تبتّل (حرکت دست، که نشانه خوف و امید و طلب و عبودیت است) انجام می دهد و مسح سر و روی دو پا برای این است که ظاهر و آشکار و برهنه است و در جمیع حالات نماز، با این سه استقبال کند و رو به حق بایستد.»^(۱)

۲ غسل

در غسل به شستن تمام بدن امر شده است؛ زیرا پست ترین حالات انسان و شدیدترین حالت تعلق دنیوی انسان، حالت جماع کردن است و از آن جا که بر تمام قسمت های بدن، جنابت پخش می شود، لازم است برای پاک شدن از این جنابت فراگیر، همه ی بدن شسته شود؛ از این رو پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «ان تحت کل شعره جنابه»؛ «همانا زیر هر مویی جنابتی است.»^(۲)

در روایتی از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است:

«علت غسل جنابت، پاکیزگی و نظافت، و پاک کردن انسان خود را از منی و تطهیر کردن سایر قسمت های بدن است؛ زیرا جنابت از تمام اعضا خارج می شود، پس تطهیر تمام بدن بر او

۱- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۷۲، باب ۳۳، ح ۱.

۲- اسرار الصلوه، شهید ثانی، ص ۶۱؛ منلا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۳، ح ۱۷۰.

واجب شده است. (۱)»

علت غسل عیدین و جمعه و دیگر غسل ها آن است که انسان با آن ها، پروردگار خود را تعظیم می کند و بزرگ می دارد و نیز به سبب آن ها متوجه به خداوند کریم و بزرگوار خود می شود و از خداوند درخواست آمرزش می کند و نیز به سبب این که روز عید برای مردم شناخته شده است، خداوند غسل این روزها را بزرگداشت و تفضیل آن ها بر دیگر روزها قرارداد و علت غسل جمعه، طهارت و پاکی بنده تا جمعه دیگر است.

علت غسل میت این است که میت را غسل دهند تا از آلودگی ها و امراضی که داشته، پاک شود؛ زیرا میت با فرشتگان ملاقات می کند و با اهل آخرت هم نشین می گردد. پس چه نیکوست وقتی بر خدا وارد می شود و پاکان را ملاقات می کند، با طهارت و نظیف باشد تا مورد درخواست رحمت و شفاعت واقع شود. (و دیگر اینکه، برای پاک شدن از آن منی ای که از آن آفریده شده، و در هنگام مرگ از بدن او خارج می شود و جنب می گردد، غسل لازم است.)

علت غسل مس میت، طاهر شدن شخص است از چرک و پلیدی هایی که به جهت مس کردن میت به او رسیده؛ زیرا شخصی که از دنیا رفته، روحش از او مفارقت کرده و بیشتر میکروب ها در پیکر او باقی می ماند، پس باید پس از تماس با او، تطهیر انجام شود. (۲)

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۳، ح ۱۷۱.

۲- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۷۱، باب ۳، ح ۱.

ب: اوقات نماز

از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت است که به فضل بن شاذان فرمود:

«چنان چه کسی پرسد که چرا نماز در این اوقات (اوقات معین و مخصوص) بدون تقدم و تأخر واجب شده است، جواب این است که این اوقات برای همه مردم روی زمین معلوم و واضح است و عالم و جاهل آن را به چهار وقت می شناسند: غروب آفتاب، خود آشکار و معلوم است که در آن، نماز مغرب واجب شده است و فرو رفتن سرخی آفتاب (شفق) پس از غروب خورشید معلوم و مشهور است که آن وقت نماز عشاء است؛ و همچنین طلوع فجر روشن و آشکار است و آن، وقت نماز صبح است و زوال شمس نیز آشکار و معلوم است و در آن، ظهر واجب می شود و برای عصر وقت مخصوص و معینی مانند نمازهای دیگر است و وقت آن پس از انجام ظهر است. و علت دیگر، این که خداوند دوست داشته که بندگانش قبل از هر کاری، ابتدا طاعت خداوند را انجام دهند؛ پس ایشان را در اول طلوع روز، امر کرده است که به عبادتش پردازند و سپس در پی کار و روزی خویش روند و امور دنیوی خود را اداره کنند، پس در این وقت نماز صبح را بر ایشان واجب کرد و چون نیم روز شود از کار دست کشند و آن وقتی است که مردم به جای خود بازگردند و لباس از تن به در آرند و بیاسایند و به خوردن مشغول شوند و استراحت کنند و در چنین هنگامی خداوند آنان را امر فرموده که ابتدا به ذکر و عبادت او پردازند، از این رو ظهر را بر ایشان

واجب کرده است تا به آن آغاز نمایند و سپس به کارهای دیگر پردازند و چون امور شخصی را انجام دادند و خواستند پی کار و کسب خود روند، باز دستور نماز عصر را داده که آن را انجام دهند، و سپس به کاری که در نظر دارند رهسپار شوند و به اصلاح آن امر دنیایی خود پردازند، و چون شب شد، لباس از تن بیفکنند و به جایگاه و منزل بازگردند، پیش از هر کار باید به عبادت و ذکر پروردگارشان ابتدا کنند و بعد به امور دیگر پردازند، از این رو نماز مغرب را بر ایشان واجب فرمود، و چون وقت استراحت و خواب آید و از کوشش فراغت یافتند، خداوند دوست داشته است که در آغاز به عبادت و طاعت او پردازند، سپس در پی اموری که می خواهند انجام دهند روند و از این جهت در این وقت، نماز عشاء را واجب کرد. پس چون این دستور را به کار بندند، او را فراموش نخواهند کرد و از او غافل نخواهد شد و در این صورت دل هایشان سخت نگردد و رغبت شان نکاهد و اگر کسی بگوید: وقتی معین برای عصر نیست، مانند اوقات نمازهای دیگر، چرا آن را بین ظهر و مغرب قرار داد و میان عشاء و صبح، یا میان صبح و ظهر قرار نداد؟ جواب این است: برای آن که هیچ وقتی برای مردم از ضعفاء و از کار برکناران و اقویا و کارگزاران آسان تر و راحت تر و مناسب تر برای نماز عصر از این وقت معین نیست، زیرا مردم همگی از اول روز به تجارت و معامله و آمد و رفت و کار و کوشش در رفع حوائج خود، و فعالیت در بازارهای کسب مشغول اند، پس خداوند نخواست که آنان را از به دست آوردن روزی به کار دیگر مشغول کند... نیز مردم همگی قادر به شب خیزی نیستند و آن را درست هم درک نمی کنند و وقت

آن در نیمه های شب اگر باشد، بیدار نمی شوند، هرچند واجب باشد و امکانش هم برای ایشان بسیار کم است، پس خداوند بر آنان آسان گرفت و نماز عصر را در سخت ترین ساعات شبانه روز مقرر نفرمود؛ بلکه وقت آن را در راحت ترین هنگام قرار داد، چنان که خداوند عزوجل خود فرموده است: «یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر»^(۱)

از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که فرمود:

«افضل اوقات سه وقت است: هنگام زوال خورشید (ظهر) و پس از آن مغرب، و هنگام سحر؛ پس خداوند دوست داشت که برای قرب به او در این اوقات سه گانه نماز به جای آورده شود.»^(۲)

۱- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۳۰ ۲۷۷.

۲- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۳۱.

حکمت ها و اسرار نماز

الف: وجوب نماز

اشاره

نماز دری از درهای رحمت بی کران الهی است که قادر بنده نواز به روی بندگانش باز کرده و بهره مندی از برکات و آثار بی شمارش را به بندگان وظیفه شناس خود هدیه کرده است. محرم اسرار الهی و رحمت واسعه ی حق، امام هشتم در نامه جامع و زیبای زیر در حد توان ما خاکیان محجوب، پرده از اسرار این ضیافت پر رمز و راز برداشته و گوشه هایی از آثار و برکات آن را بیان فرموده است: آن حضرت در نامه ای به یکی از اصحاب خود نوشته است:

«همانا علت وجوب نماز، اقرار به ربوبیت پروردگار است و کنار گذاشتن شرک و این که برای خدا مثل و نظیری نیست؛ و ایستادن در برابر پروردگار با ذلت و بیچارگی، و خضوع و اعتراف به وحدانیت او، پشیمانی و طلب توبه از گناهان گذشته، و گذاشتن صورت بر زمین در هر روزی پنج مرتبه برای تعظیم پروردگار؛ و این که بنده متوجه خدا باشد و او را فراموش نکند، و راه سرکشی در پیش نگیرد، و خاضع و خاشع و ذلیل و مشتاق و خواستار زیادی توفیق در دین و دنیا باشد. آثار دیگری که در نماز است، عبارت است از: انزجار از غیر خدا، و مداومت بر ذکر حضرت باری در روز و شب تا بنده، سید و مدبر امور و آفریننده خود را فراموش نکند. چون فراموشی یاد حق، سبب در پیش گرفتن راه سرکشی و طغیان است. همچنین حکمت های دیگری که در نماز است، این که بنده به وظایف بندگی خود در پیشگاه

خدای خویش، قیام کند و این عبادت، او را از گناهان باز دارد و مانعی برای او از گرایش به فساد و تبه کاری باشد.»(۱)

امام رضا (علیه السلام) در بیانات ارزشمند، آثار و برکات نماز را بیان فرموده اند و ما در این قسمت به توضیح مختصر هر یک از این اسرار و برکات می پردازیم.

۱ اقرار به ربوبیت

امام رضا (علیه السلام) فرموده است:

«علت وجوب نماز؛ این است که نماز، اقرار به ربوبیت خدا و نفی مثل و نظیر برای او است.»(۲)

اقرار به یکتایی و ربوبیت خدا، اولین خواسته او از آفریدگان خود است؛ خدایی که: «همیشه بوده و همیشه باشد؛ از همه چیزها بی نیاز است و همه چیزها به او نیازمند؛ توانای بر کمال و پادشاه بی زوال؛ قدّوس بی عیب و بی مثال، واحد بی شریک و بی انباز؛ جبار بی قهر و نقصان و قهار بی عجز و بی اعوان؛ رازق بی بخل و بی ریب و ملک بی مونس و بی مشیر؛ کریم بی طبع و بی سجّیت و رحیم بی دل و بی رقت؛ صمد بی نقص و بی آفت؛ واحدی بی تألیف و تجزیت؛ همه خلق را به او آرام و به او نیاز و او از همه بی نیاز. هرچه در فهم آید که پادشاه ما چنان است، نه چنان است؛ بلکه آفریدگار آن است که همه وصف و صّافان و همه مدح مدّاحان و همه ی توحید موّحدان، در کمال و جلال

۱- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۰۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۴؛ علل الشرایع صدوق، ج ۲، ص ۳۱۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲- «علّه الصّلاه آن ها اقرار بالربوبیّه لله عزوجل و خلعالانداد.» وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۰.

او ناچیز نماید...» (۱)

حال نماز گزار در برابر چنین موجودی، به عبادت و نیایش برمی خیزد و به یکتایی، توانایی، آفریدگاری، بی همتایی، بی نیازی، بزرگواری، دانایی و بنده نوازی او اقرار و اعتراف می کند و تنها او را شایسته و بایسته عبادت و نماز می داند و هرچه غیر او است، به دور می اندازد و هیچ می انگارد.

درباره معنای «رب» گفته شده است: «رب در لغت، به کسی گفته می شود که مدیریت و تدبیر شیئی به او واگذار شده و سرنوشت آن در اختیار او باشد. حال اگر ما خدا را «رب» خود می دانیم و بدان اقرار و اعتراف می کنیم، برای این است که سرنوشت کلیه شئون ما از وجود و هستی، حیات و ممات، رزق و روزی، تقنین و تشریح، مغفرت و آمرزش و... در دست او قرار دارد.» (۲)

۲ خاکساری و تواضع

امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «علت وجوب نماز [ایستادن در پیشگاه خداوند در نهایت خضوع و تواضع و اعتراف به گناهان است.» (۳)

نیایش به درگاه خداوند توانا، راز و نیازی است که بنده خاکسار، با معبود و آفریدگار خود می نماید. در خلوت و تنهایی

۱- مفتاح النجات، ص ۱۰.

۲- تفسیر منشور جاوید، ج ۲، ص ۳۹۳.

۳- «علّه الصلاه أنّها» قیام بینیدی الجبار بالذلّ و المسکنه و الخضوع و الاعتراف» وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۰.

با تمرکز فکر، توجه خود را به سوی مبدأ و آفریننده موجودات که ملجأ و پناهگاه دل شکستگان است معطوف می دارد و با خشوع و فروتنی، درماندگی، ناتوانی و پریشان حالی خود را به آستان الوهیتش عرضه می دارد و با ستایش ذات پاک خداوندی اش، کوچکی و حقارت خود را بیان می کند و از پیشگاه مقدسش عفو گناهان خود و شمول رحمت و عنایت بی پایان او را مسألت می نماید.

برای ادای بندگی و عرض حاجت، بهترین چیز این است که شخص با افتادگی و حالت عجز، دست به توسل به سوی خالق گشوده و نماز به جای آورد.

حلاوت و شیرینی عبادت «تواضع و فروتنی» است و بی آن، نماز لذتی نخواهد داشت.

روزی حضرت رسول به اصحاب خود فرمود: «چرا من حلاوت عبادت را در شما نمی بینم؟» عرض کردند: حلاوت عبادت چه چیز است؟ فرمود: «تواضع»^(۱)

و در خبر وارد شده است که خداوند فرمود:

«ای موسی! چون مرا یاد کنی، یاد کن در حالی که اعضای تو مضطرب و لرزان باشد و در وقت یاد من خاشع و با وقار و اطمینان باش... و چون در خصوص من بایستی، بایست مانند بنده ذلیل و مناجات کن با من با دل ترسناک و زبانی راستگو» و در بعضی احادیث قدسی وارد شده است که خدای متعال فرمود: «من نماز هر نماز کننده را قبول نمی کنم؛ بلکه نماز کسی را قبول می کنم که از برای عظمت من فروتنی کند و بر من سرکشی نکند.»^(۲)

۱- معراج السعاده، ص ۲۲۸.

۲- معراج السعاده، ص ۶۶۹.

۳ دوری از گناه

حضرت رضا (علیه السلام) فرموده است: «[نماز]، موجب مداومت بر یاد خداوند در شب و روز می گردد تا بنده، مولا و خالق خویش را فراموش نکند و به سرکشی و طغیان نیفتد و همین توجه به خداوند و ایستادن در حضور اوست که انسان را از گناهان دور می سازد و از انواع و اقسام فساد، جلوگیری می کند.»^(۱)

«نماز» خود مانعی است بزرگ از این که آدمی به سوی گناه برود: «به درستی که نماز، انسان را از فحشا و منکرات باز می دارد و مهم ترین و بزرگ ترین نتیجه ی نماز، یاد خدا است.»^(۲)

نماز، افراد نمازگزار را، از بسیاری از گناهان باز می دارد و در عین حال زمینه را برای ترک گناهان دیگر آماده می سازد؛ زیرا نمازگزار ناچار است که برای صحت و قبولی نماز، از بسیاری از گناهان اجتناب ورزد؛ مثلاً یکی از شرایط نماز، مشروع بودن و مباح بودن تمام وسایلی است که در نماز و مقدمات آن به کار می رود؛ مانند: آب وضو و غسل و مکان و لباسی که در آن نماز می گزارد. این موضوع به تدریج سبب می شود که گناهان بسیاری را ترک کند و در کار و کسب از هر نوع حرام اجتناب ورزد؛ زیرا بسیار مشکل است که یک فرد تنها در امور مربوط به نماز، به حلال بودن آن ها مقید شود و در موارد دیگر بی پروا باشد؛ مثلاً امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «هر کس نماز بخواند ولی زکاتش

۱- «مع ما فيه من الايجاب و المداومه على ذکر الله عزوجل بالليل و النهار لئلا ينسى العبد سيده و مدبره و خالقه فيبتر و يطغى و يكون في ذكره لربه و قيامه بين يديه زجراً له عن المعاصي و مانعاً له عن انواع الفساد» وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۵؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۷۰.

۲- «ان الصلاة تنهى عن الفحشا و المنكر ولذكر الله اكبر» عنكبوت (۲۹) آیه ۴۵.

را نپردازد، نمازش قبول نمی شود.»^(۱) از طرفی دیگر، خود نماز موجب ریزش گناهان و کمک به قبولی توبه است.

نماز، انسان را از ذلّت عاصی بودن در می آورد و لباس عزّت و بزرگی به او می پوشاند و رحمت و بخشش الهی را شامل حال نماز گزار می گرداند.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «نماز، گناهان را همچون برگ های پاییزی می ریزد و غل و زنجیرهای معاصی را از گردن ها می گشاید.»^(۲)

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: «آنگاه که بنده خدا به نماز می ایستد و همه توجهش به سوی «الله» باشد، در حالی که نمازش پایان می یابد که مانند روز تولّدش، پاک است.»^(۳)

۴ تعظیم خداوند

امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «[نماز] هر روز پیشانی بر زمین ساییدن، برای تعظیم پروردگار است.»^(۴)

انسان، وقتی خود را در برابر عظمت و جلال پروردگار می بیند، ناخودآگاه در برابر او احساس خضوع و فروتنی می کند؛ آن سان که در برابر یک شخصیت مهم، خویشان را کوچک و ناچیز می شمرد و او را تعظیم و تکریم می کند.

۱- «من صلّی و لم یزکّ، لم تقبلصلاته» عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۴۹۳.

۲- «أنها (الصلاه) لتحت الذنوب حتّ الورق و تطلقها اطلاق الرّبّق». نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۴.

۳- «اذا قام العبد الی الصلاه، فکان هواه و قلبه الی الله تعالی، انصرف کیوم ولدته امّه» محجّه البیضاء، ج ۱، ص ۳۸۲.

۴- «[الصلاه] وضع الوجه علی الارض کلّیوم خمس مرّات، اعظماً لله عزّوجلّ» وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵؛ من لایحضره الفقیه،

صاحب جامع السعادات نیز در تعریف و بیان «تعظیم» می نویسد:

«تعظیم حالتی است که از دو معرفت حاصل می شود: یکی معرفت جلال و عظمت خدا؛ زیرا هر که به عظمت او معتقد نیست، نفس را به بزرگداشت او و انمی دارد و این معرفت از اصل و ایمان است. و دیگر معرفت حقارت و ذلت نفس و دانستن این که بنده مسخر و در تحت قدرت پروردگار است و از سود و زیان خویش ناتوان و از این دو معرفت فروتنی و تواضع و خشوع حاصل می شود که آن را «تعظیم» می گویند.

و تا هنگامی که معرفت حقارت نفس با معرفت جلاله پروردگار آمیخته نشود، حالت تعظیم و خشوع پدید نمی آید؛ زیرا کسی که خود را از غیر بی نیاز می انگارد و بر خود اعتماد دارد، ممکن است صفات عظمت و جلال و قدرت و کمال را درباره غیر بشناسد ولی نسبت به او خاشع و فروتن نباشد؛ زیرا معرفت نیاز و حقارت نفس، همراه آن نیست.»^(۱)

مرحوم آقا میرزا جواد ملکی تبریزی، صاحب کتاب شریف، «اسرار الصلاه» نیز می نویسد: «تعظیم یکی از حالات قلب است که موجب آرامش و خشوع و شکستگی خاطر در مقابل پروردگار و باعث معرفت به عظمت و جلال ذات اقدس می شود... هرگاه انسان به عظمت سلطان خداوندی و سعۀ ی ملک او و جلالت قدرت او معرفت پیدا کرد و دانست که ممکن [الوجود] در حقیقت هیچ است و او به اندازه ذره ای مالک خیر و شرّ خود نیست و مرگ و حیات و حشر و نشرش به دست

دیگری است، عقل و اندیشه اش مقهور این عظمت می گردد و در پیشگاه حضرت حق اظهار ذلت و خشوع می کند و قلبش از مشاهده عظمت جلال او و جلالت سلطان او، بیش از حد و وصف، خاضع و خاشع می گردد... عظمت سلطان خداوندی، بر آفرینش آسمان ها و زمین ها و جلالت قدرت او، بر آن ها و امساک و نگه داری و رزق و حفظ و تربیت آن هاست...»^(۱)

۵ یاد خدا

حضرت رضا (علیه السلام) فرموده است: «علت وجوب نماز این است که [آدمی همیشه هوشیار باشد تا گردد و غبار فراموشی حق بر دل او سایه نیفکند و مغرور نگردد.]»^(۲)

حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی مینویسد: «یکی از عمل هایی که سرشار از انگیزه ی یاد خدا است و می تواند انسان را یکسره غرق در یاد خدا کند و می تواند بیدار باش و به خویش آورنده باشد و می تواند همچون شاخص و علامتی، رهروان راه خدا را، بر روی خط مستقیم، [نگه] بدارد و از گیجی و گمی حفظ کند و می تواند از لحظه ای غفلت در زندگی آدمی مانع گردد...»^(۳) «نماز» است.

و در کتاب «لباب الالباب» مروی است که: «بهشتیان بر هیچ چیز که در دنیا از دستشان رفته است، به قدر آن ساعت که بی خبر

۱- اسرار الصلاة، ص ۳۱۲.

۲- «ان یکون ذاکراً غیر ناس و لا بطر» وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۰.

۳- از ژرفای نماز، ص ۹.

از یاد خدا نشسته بودند، حسرت و تأسف نمی خورند.»(۱)

بهترین وسیله برای «ذکر و یاد خدا» نماز است. انسان تا از بستر خواب سر بر می دارد، به وسیله نماز صبح، به یاد خدا می افتد و تا مدتی در برابر حملات شیطان و غفلت از خدا، در امان است و تا هجوم افکار مادی و نفسانی بر او غلبه می کند، اوقات نماز ظهر و عصر و مغرب با فاصله های کوتاه، فرا می رسد و او را با یاد خدا، بیمه می کند. هنگامی که تاریکی شب به او فرصت می دهد که برخی از مرزها را نادیده بگیرد، وقت نماز عشاء و نمازهای آخر شب می رسد و او را با یاد خدا جلا می دهد و هر آن چه جز یاد خدا را از دلش می زداید. اینان، کسانی اند که خداوند فرموده است: «بزرگ مردانی که هیچ تجارت و کسبی آنان را از یاد خدا و اقامه نماز، باز نمی دارد و چون وقت نماز می رسد، دست از هر کاری می کشند و به نماز می ایستند»(۲)

۶ طلب فزونی در دین و دنیا

حضرت علی بن موسی الرضا فرموده است: «علت وجوب نماز این است که آدمی [خاضع و فروتن و خواستار افزونی دین و دنیا باشد»(۳)

حضرت امام رضا (علیه السلام) در این فراز از سخنانش، نماز را وسیله ای برای فزونی دین و دنیا می داند و می فرماید که نماز گزار،

۱- «انّ اهل الجنّه لا یتحسّرون علیشیء فاتهم من الدنیا، کتحتسّروهم علی ساعه مرّت من غیر ذکر الله.» نشان از بی نشان ها، ص ۴۱۳.

۲- «رجال لاتلهیهم تجاره ولا بیع عندک الله و اقام الصلاه» نور(۲۴) آیه ۸.

۳- «و یكون خاشعاً متذللاً راعباً طالباً للزیاده فی الدّین و الدّنیاء» وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۰.

از طرفی خضوع و فروتنی خود را در نماز نشان می دهد و به بندگی و فقر و نیاز خود در برابر خدا اعتراف می کند و از طرف دیگر از نماز استعانت می جوید و آن را وسیله ای در جهت تعالی دینی و دنیایی خود قرار می دهد.

خداوند متعال می فرماید: «به وسیله ی صبر و نماز در مشکلات کمک جوید، به درستی که نماز، بار گران و سنگینی است مگر بر کسانی که در برابر خدا خاشع و تسلیم اند.»^(۱)

در بعد دینی، نماز بهترین وسیله برای کسب کمالات و معنویات است و نردبان صعود و ترقی انسان به سوی عرش رحمان می باشد.

نماز، بر روحانیت و معنویت انسان می افزاید و در پاکی درون و در نورانیت دل تأثیر عمده ای ایفا می کند.

«هر کس که خداوند سبحان را یاد کند [و نماز بخواند]، خداوند دل او را زنده کرده و عقل و خردش را روشن می گرداند.»^(۲)

و «نماز هر کس، نوری در دل اوست، پس هر کس بخواهد [می تواند با نماز] قلبش را نورانی کند.»^(۳)

و هر اندازه که درون انسان پاک و قلب او نورانی باشد، تدبیر و تعبد او بیشتر خواهد بود و حرکت او به سوی تقوا و پاکی ها، شتاب خواهد گرفت.

در امور دنیوی، نماز به زندگی انسان برکت می دهد و رزق و روزی شخص را زیاد می کند و به او شخصیت و آبرو می بخشد.

۱- «و استعینوا بالصبر و الصلاه و آن هالکبیره الّا علی الخاشعین» بقره (۲) آیه ۴۵.

۲- «من ذکر الله سبحانه احيى قلبه و نور عقله و لبه» منتخب الغرر، ص ۱۹.

۳- «صلاه الرجل نور فی قلبه، فمن شاء منكم فلينور قلبه» بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۹، ح ۴۸.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: «نماز باعث برکت در رزق و روزی می شود.»^(۱)

و شیخ مفید روایت کرده است که: «نماز شب، روزی را جلب و آن را زیاد می کند.»^(۲)

نماز، به زندگی انسان نظم می بخشد و بدین وسیله بر کارها و برنامه های روزانه او تأثیر می گذارد و کیفیت و بازدهی وی را بالا می برد.

اوقات نماز، طوری تنظیم شده است که نمازخوان عملاً به نظم عادت می کند و در تمام شئون زندگی، آن را رعایت می نماید.

و دیگر آن که نماز، در مشکلات و غم های دنیا، بهترین و مطمئن ترین تکیه گاه است و می تواند در ناملایمات زندگی، همانند چراغی فروزان، فرا روی انسان قرار گیرد.

در رحمت به روی خلق باز است

کلید این در زیبا، نماز است

۷ طلب مغفرت

امام رضا (علیه السلام) فرموده است:

«نماز، تقاضای عفو و بخشش از گناهان گذشته است»^(۳). گناهمانی که از روی نادانی و غفلت از او سر زده است و اینک شرمنده و پریشان، رو به سوی بزرگی می کند و سر به سجده می گذارد و یا دستانش را ملتسمانه به سوی آسمان می گشاید و طلب مغفرت و عفو می نماید.

۱- «الصلاه...برکه فی الرزق» خصال صدوق، ج ۲، ص ۵۲۲.

۲- «أَنَّ صَلَاةَ اللَّيْلِ تَجْلِبُ الرِّزْقَ» ثوابالاعمال، ص ۶۹.

۳- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۰۲.

نماز گزار گناه نمی کند و در صورت ارتکاب به گناه، سریعاً توبه می کند و از کرده خود به شدت اظهار ندامت و پشیمانی می نماید. آن گاه نماز می گذارد و نماز را شفیع خود قرار می دهد و با تمسک به نماز، سعی در پذیرش توبه خود می کند؛ آن هم توبه ای راستین و نصوح وار...

امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «هر بنده ای که گناهی کرد، پس برخیزد و تحصیل طهارت کند (وضو بگیرد) و دو رکعت نماز بخواند و از خداوند متعال طلب آمرزش نماید، [در این حالت] بر خدا است که توبه او را بپذیرد.»^(۱)

ب: اجزای نماز

۱ اذان و اقامه

آوای دلپذیر و روح بخش اذان، دعوت آدمی برای حضور در خلوتگه راز و باریافتن به مقام انس با حضرت محبوب است. آوای اذان با شور و جذبه دلپذیری که در آن وجود دارد، مسلمانان را به سوی عبادت و پرستش آفریدگار دعوت می کند. بانگ اذان، بانگ رستاخیز عشق و دلدادگی است.

صدای اذان، دلنوازترین نغمه و فرح بخش ترین سرود آسمانی است.

اذان، اعلام موجودیت و فریاد مسلمانان علیه خدایان خیالی است. این گل نغمه توحیدی، با «الله» نام خدای بزرگ، شروع می شود و به یگانگی آفریدگار جهان و گواهی به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اوج می گیرد و با دعوت به رستگاری، فلاح، عمل نیک و نماز پایان می پذیرد.

و چه زیباست این اذان که هر روز با آن چندین بار نام محبوب و مقصود، شنیده می شود. و چه نیکوست این اذان که شیفتگان و شوریدگان شهر عشق را به ضیافتی شاهانه فرا می خواند.

نام معشوق به هر بام و در است

بر دل مدعیان صد شر است

بارک الله از این دین حنیف

که از او یار، به من جلوه گر است

همه ذرات به تسبیح وی اند

خیز از جای که وقت سحر است

عارف ربانی، مرحوم ملکی تبریزی می نویسد:

«اذان، دعوت برای ملاقات است و همان گونه که روز قیامت، مردم برای عرضه شدن به خداوند فرا خوانده می شوند، در این دنیا هم مؤذنان، مؤمنان را به مجلس حضور و معراج و زیارت حضرت پروردگار فرا می خوانند. پس اگر معرفت انسان، در این دنیا به حدی باشد که از این ندا لذت ببرد، در آخرت نیز از ملاقات حضرت حق بی بهره نخواهد بود؛ چرا که معرفت در این دنیا به منزله بذر مشاهده در آخرت است. و اگر بر اثر جهل، حال انسان به گونه ای باشد که این ندا او را خوش نیاید، این امر سبب خواهد شد که ندای روز قیامت هم خوشایند او نباشد و اگر در این دنیا در هنگام شنیدن اذان، در زمره غافلان باشد، حالش در آن روز مناسب با این غفلت خواهد بود...»

بنابراین کسی که موقع نماز از وظیفه اش نسبت به پروردگار آگاه باشد و بداند که این امر، لطفی عظیم از ناحیه ی حضرت حق نسبت به اوست، بی شک روشنی چشمش در نماز خواهد بود....»

همان گونه که دعوت دوستانش را برای حضور در چنین مجالسی می پذیرد، اذان را هم که به منزله ی منادی ذات اقدس حق است به گوش جان می شنود و پاسخ می گوید...»^(۱)

امام هشتم (علیه السلام) برای نمازهای واجب اذان و اقامه می فرمودند و به دوستان و یاران خود نیز سفارش می کردند که در نماز اذان و اقامه بگویند. عباس بن هلال از حضرت رضا (علیه السلام) نقل کرده که فرمود:

«هر کس هنگام نماز اذان و اقامه بگوید، دو صف از فرشتگان

با وی نماز خواهند خواند و اگر اقامه بگوید یک فرشته طرف راست و یکی طرف چپ او نماز خواهند خواند. سپس فرمود: شما هر دو صف را مغتنم بدارید (یعنی اذان و اقامه هر دو را بگویید).»^(۱)

امام رضا (علیه السلام) از پدران گرامش نقل کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«اذان گویان در روز رستاخیز از دیگران به اندازه یک سر و گردن بلندترند.»^(۲)

حضرت رضا (علیه السلام) فرموده است:

مردم به علل زیادی مأمور به اذان شده اند؛ از آن جمله: ۱ تذکر مردم ۲ بیداری غافلان ۳ توجه به نماز ۴ ترغیب مردم به یاد خدا و دعوت به یاد خدا ۵ آشکار کردن ایمان به اسلام و...^(۳)

امام رضا (علیه السلام) در حدیث مفصلی درباره حکمت جمله به جمله اذان و اقامه فرموده است:

«اذان به تکبیر آغاز و به تهلیل ختم شده است، زیرا خداوند اراده فرموده اذان به نام و یاد او آغاز شود... سبب این که پس از تکبیر، شهادتین قرار دارد آن است که نخستین مرحله ی ایمان، توحید و اقرار به یگانگی خداوند و پس از آن اقرار به نبوت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) است و این که طاعت هر دو، و شناخت هر دو با یکدیگر در ایمان مقرون است. اساس ایمان همان اقرار به شهادتین است.»

۱- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۶، ح ۳۷.

۲- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۶۱.

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۵.

پس در اذان دو شهادت (گواهی به یگانگی خدا، و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)) قرار داده شده است چنان که در سایر حقوق دو شهادت قرار داده شده است (و دو شاهد لازم است). هرگاه بنده ای به یگانگی خداوند متعال و رسالت حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اقرار کند، همه ی مراحل ایمان و مراتب آن را پذیرفته است، زیرا اصل ایمان همان شناختن خدا و رسول است.

علت این که در اذان، پس از شهادتین، مردم برای ادای نماز دعوت شده اند، این است که اذان برای دعوت مردم به طرف نماز (در مکان مخصوصی) تشریح شده است و مؤذن با گفتن «حیّ علی الصلاه» (برای به یادداشتن نماز بشتابید) رسیدن وقت نماز را به نمازگزاران اعلام می کند و ندا به نماز یعنی «حیّ علی الصلاه» در وسط اذان مقدر شد، زیرا که مؤذن قبل از «حیّ علی الصلاه» چهار فصل مقدم می دارد. دو تکبیر و دو شهادت و بعد از «حیّ علی الصلاه» چهار فصل دیگر می گوید، زیرا پس از آن دو بار «حی علی الفلاح» می گوید و مردم را به رستگاری و نجات فرا می خواند تا آن ها به عمل نیک و نماز ترغیب شوند. پس از آن دوبار «حی علی خیرالعمل» می گوید تا مردم را به بهترین اعمال که نماز است تشویق کند. پس از آن دوبار، صدای خود را به «الله اکبر» و دوبار به «لا اله الا الله» بلند می کند، و کلام را با ذکر و یاد خدا که معبود یکتاست پایان می دهد همچنان که با یاد همان نام آغاز نمود.

علت این که آخر اذان، گفتن جمله «لا اله الا الله» مقرر شده است نه گفتن «الله اکبر» این است که: چون «لا اله الا الله» نام خدا در آخر جمله قرار گرفته است و خداوند می خواهد در اذان کلام

به اسم او خاتمه یابد، چنان که به اسم وی آغاز شده است.

علت این که در پایان جمله های اذان، به جای «لا اله الا الله»، «سبحان الله» یا «الحمد لله» یا «الله اکبر» نیامده است، (در حالی که نام خداوند در آخر این اذکار نیز می باشد) این است که «لا اله الا الله» اعتراف به یگانگی خدا، و زدودن شرک و نفی همتا و انباز برای خدای متعال است، و این (اقرار) اساس و نخستین شعار ایمان است و از تسبیح گفتن و حمد کردن، مهم تر است.»^(۱)

۲ قیام

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «پس در مقابل پروردگارت چون بنده ای فراری و گناهکار که در مقابل مولایش قرار گرفته است بایست و قیام کن و قدم هایت را منظم کن و خود را برای اطاعت از مولایت مستعد و مهیا ساز و به چپ و راست توجه مکن...»^(۲)

خداوند متعال فرموده است: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»؛ «بر همه نمازها محافظت و مواظبت کنید، به ویژه بر نماز ظهر و عصر و برای خدا، به پا خیزید؛ در حالی که به دعا و عبادت مشغولید.»^(۳)

۳ تکبیر

حال که آمادگی پیدا کردی و می خواهی نماز را شروع کنی،

۱- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، باب ۳۴، ص ۱۰۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۵.

۲- «فقف بین یدیہ، کالعبد الآبقالمذنب بین یدی مولاہ فصیف قدمیک انصب نفسک و لا تلتفتیمیناً و شمالاً...» بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۰۴

۳- بقره (۲) آیه ۲۳۸.

نیت می کنی و دست ها را به علامت تسلیم بالا می بری و تکبیر می گویی.

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «در افتتاح نمازت، تکبیر بگو و دست هایت را تا نرمله ی گوش بلند کن» (۱).

همچنین فرموده است:

«حرکت دست ها در موقع تکبیر، در توجه و ابتهاال به خدا و حضور قلب مؤثر است.» (۲)

از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده است که فرمود:

«چون تکبیر می گویی، جز عظمت خدا [همه چیز] را، کوچک شمار؛ زیرا، خدای تعالی هنگامی که بنده ای را تکبیر گویند، می بیند، در حالی که در قلبش چیزی هست که با حقیقت تکبیر مخالف است، می فرماید: ای دروغ گو! مرا فریب می دهی، قسم به عزت و جلالم از حلاوت و شیرینی یادم، محرومت می کنم و از نزدیکی ام و سرور مناجاتم، منعت نمایم.» (۳)

۴ قرائت

به هنگام خلوت با محبوب مطلق هستی و نماز و نیایش، چگونه خالق و قادر متعال هستی را ستایش کنیم؟ از او چه بخواهیم و از چه خطراتی به او پناه بریم؟ معلم قلم و بیان و قادر متعال و مهربان از سر لطف، چگونگی گفتگو و نیایش با خود را به بندگانش ابلاغ کرده و مخزن اسرار الهی و امام رئوف و مهربان پرده از اسرار آن برداشته است:

۱- «فاذا، افتتحت الصلاة، فكبر و ارفع يدك بحذاء اذنيك...» بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۰۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۲۷.

۳- مصباح الشریعه، ص ۸۸.

«همانا مردم به قرائت قرآن در نماز امر شده اند تا قرآن مهجور و ضایع نگردد و نیز به سبب این که قرآن محفوظ باشد و از بین نرود و فراموش نشود؛ و همانا واجب شده که سوره حمد خوانده شود نه سوره های دیگر؛ زیرا هیچ سوره ای نیست که مانند سوره حمد، جامع تمام خیرات و حکمت ها باشد.»^(۱)

حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت کرده است که: «خداوند متعال می فرماید: من فاتحه الکتاب را بین خود و بنده ام تقسیم کرده ام؛ نیمی از آن من و نیمی از آن اوست و اینک بنده من هر چه می خواهد از من سؤال کند.

هر گاه بنده ای بگوید: «بسم الله الرحمن الرحيم»، خداوند می فرماید: بنده من به نام من آغاز کرد و بر من لازم است که کارهای او را به انجام برسانم و به زندگی او برکت دهم، هر گاه بگوید: «الحمد لله رب العالمين» خداوند جل جلاله می فرماید: بنده ام حمد مرا به جای آورد و دانست نعمت هایی که در نزد او می باشد، از من است و بلاها را من از وی دفع کرده ام؛ اینک گواه باشید که من علاوه بر آن ها، نعمت های آخرت را نیز به او می دهم و او را از گرفتاری های آخرت نجات می دهم؛ همان گونه که از بلاهای دنیا نجاتش داده ام.

هر گاه بگوید: «الرحمن الرحيم» خداوند می فرماید: بنده ام گواهی داد که من رحمان و رحیم می باشم، اکنون او را از رحمت و بخشش های خود بهره مند می سازم. هر گاه بگوید: «مالک يوم الدين» خداوند می فرماید: من شما را گواه می گیرم همان گونه که او اعتراف کرد من مالک روز قیامت هستم، حساب آن روز را

برایش آسان خواهم کرد و از گناهانش خواهم گذشت.

هنگامی که بنده ای بگوید: «ایاک نعبد» خداوند متعال می فرماید: بنده ام راست می گوید و او فقط مرا عبادت می کند، اینک شما شاهد باشید که من پاداش عبادت های او را می دهم تا کسانی که غیر از مرا عبادت کرده اند، به حال او غبطه بخورند و آرزوی مقام او را داشته باشند.

هنگامی که بنده ای بگوید: «و ایاک نستعین» خداوند می فرماید: بنده ام از من یاری می خواهد و به من پناه آورده است، من در کارها او را کمک خواهم کرد و در سختی ها به یاری او خواهم شتافت و در مشکلات دست او را خواهم گرفت.

هرگاه بنده ای بگوید: اهدنا الصراط المستقیم...» خداوند می فرماید: بنده ام هرچه دلش می خواهد سؤال کند. من خواسته های او را اجابت می کنم و به آرزوهایش می رسانم و از هرچه می ترسد، او را ایمن می سازم و آرامش و سکون به او می دهم. [\(۱\)](#)

جهر و اخفات

از امام رضا (علیه السلام) درباره حکمت های جهر و اخفات چنین نقل شده است:

«علت این که بعضی نمازها باید بلند و بعضی آهسته خوانده شود این است که نمازهایی که باید بلند خوانده شوند، (صبح، مغرب، عشاء) در اوقاتی است که هوا نسبتاً تاریک و واجب است بلند خوانده شوند که اگر کسی از آن جا عبور می کند،

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۳ و ۲۰۴.

بداند که جماعتی در آن جا نماز می خوانند تا اگر خواست به آن ها ملحق شود؛ چون تاریکی مانع دیدن اوست و بلند خواندن باعث می شود او صدای نماز گزاران را بشنود. ولی دو نمازی که آهسته خوانده می شود (ظهر و عصر) به دلیل این که روز است و عملشان کاملاً قابل رویت است، احتیاج به بلند خواندن ندارد.»^(۱)

۵ رکوع

«رکوع، نمایشگر و نمودار خضوع انسان است در برابر قدرتی که او را قوی تر از خود می داند و مسلمان چون خدا را برترین قدرت ها می داند، در برابر او رکوع می کند و چون هیچ موجودی جز خدا را برتر و فراتر از انسانیت نمی داند، در برابر هیچ کس و هیچ چیز دیگر سر خم نمی کند. در همان حال [که] تن را، در برابر خدا به حالتی خاضعانه در آورده است، زبان را نیز به حمد و ستایش و بیان عظمت او می گشاید.»^(۲)

حضرت امام رضا (علیه السلام) در سفارشی گوهر بار، خطاب به نماز گزاران می فرماید:

«بدان به راستی که تو در برابر خداوند جَبَّار هستی. بنابراین به چیزی از اشیاء به بازی مشغول مشو... هر گاه به رکوع رفتی، پس دست هایت را بر زانوهایت بگذار و انگشتانت را بگشا و دست هایت را جمع کن.»^(۳)

حسن بن علی بن فضال گوید: امام رضا (علیه السلام) را هنگامی که عازم عمره

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۸۲، ح ۷۷۴۰۶.

۲- از ژرفای نماز، ص ۵.

۳- «و اعلم انک بین یدیا الجبار و لا تعبت بشیء من الاشیاء و... فاذا رکعت، فالقم رکبتیک براحتیک و تفرج بین اصابعک و اقبض علیهما...» بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۰۴.

بود و برای وداع کنار قبر رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده بود، مشاهده کردم و بعد از مغرب، بالای سر مبارک رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار گرفت و ابتدا به آن جناب سلام کرد و بعد خود را به قبر چسباند. بعد از این از جای خود برخاست و در کنار قبر به نماز ایستاد و بعد شانه چپ خود را به قبر چسباند. سپس در کنار یکی از ستون ها قرار گرفت و شش رکعت نماز خواند و رکوع و سجده خود را به اندازه سه تسبیح طول داد و بعد سر به سجده گذاشت و طول داد به اندازه ای که از عرقش، ریگ ها مرطوب شدند. (۱)

حضرت امام خمینی قدس سره در اسرار رکوع نوشته است: «سالک در جمیع منزل رکوع قلبش خائف و خاشع و در تحت سلطان کبریا و عظمت به جمیع اجزا و اعضای باطنه و ظاهره خفیف جناح کند و از حرمان مقام راکعین و محرومیت این منزل شریف، بیمناک باشد» (۲)

۶ سجود

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «جزء رسم و راه امامان شما، دوری از گناه، عفت و پاکدامنی، راستگویی، مصلحت اندیشی و سجده های طولانی است.»

سجده، بالاترین مرحله خضوع، والاترین درجه خشوع، بهترین وسیله تقرب، شایسته ترین حالت برای استجاب و نیکوترین منزل برای دریافت انوار درخشان حق تعالی و رسیدن به مقام قرب الهی است.

حضرت آیت الله خامنه ای مد ظله العالی بیان زیبا و جالبی درباره سجود دارند. ایشان می نویسند:

«جبهه بر خاک نهادن، نشانه بالاترین حد خضوع انسان است

۱- ادعیه و زیارات، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲- سرالصلوه، ص ۹۸.

و نماز گزار، این حد نصاب تواضع را شایسته ی خدا می داند؛ زیرا کرنش در برابر نیکی و زیبایی مطلق است و آن را در برابر هر کس یا هر چیز غیر خدا، حرام و ناروا می شمارد؛ زیرا گوهر انسانیت که ارزنده ترین متاع بازار هستی است با این کار فرو می شکند و انسان، خوار و پست می گردد.

در همان حال که سر بر خاک نهاده و خود را غرق در عظمت خدا می بیند، زبانش نیز با این حالت هماهنگی می کند و با ذکری که می گوید، در حقیقت عمل خویش را تفسیر می کند: «سبحان ربی الاعلی و بحمده»؛ پاک و پیراسته است خداوندگار من که برترین است و من ستایشگر اویم؛ خداوندگار برترین، خداوندگار پیراسته و پاک. و تنها در برابر چنین موجودی است که سزاوار است انسان، زبان به ستایش بگشاید و جبهه بر خاک بسپارد.»^(۱)

و شاء در روایتی از امام رضا (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

«نزدیک ترین حالات بندگان، هنگامی است که بنده در حال سجده باشد و از این جهت خداوند در قرآن فرموده است: (سجده کن و خود را نزدیک گردان)»^(۲)

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «وقتی بنده ای در حال سجده به خواب رود، خداوند به ملائکه می فرماید: نگاه کنید این بنده ام را که روح او را گرفته ام، در حالی که مشغول عبادت و اطاعت بود.»^(۳)

۱- از ژرفای نماز، ص ۵.

۲- «أقرب ما یكون الی الله و هو ساجد...» ادعیه و زیارت حضرت رضا (علیه السلام) ص ۸۴؛ (سفینه البحار، ج ۱، ماده سجده)

۳- «إذا نام العبد و هو ساجد قال الله عزوجل للملائکه: انظروا الی عبدی قبضت روحه و هو فی طاعتی.» بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۶۲.

ص: ۶۹

گفتار سوم: نماز جماعت، جمعه و عید

اشاره

نماز جماعت

اشاره

نماز جماعت، باشکوه ترین، بهترین، بیشترین، پاک ترین و معنوی ترین اجتماعات دنیا است.

حضرت رضا (علیه السلام) فرموده است: «نماز جماعت، با فضیلت ترین [عبادات] است.»^(۱)

«فضیلت هر یک رکعت نماز جماعت برابر با دو هزار رکعت نماز فرادا است.»^(۲)

اسرار نماز جماعت

پیرامون اسرار و فلسفه های نماز جماعت، حضرت رضا (علیه السلام) فرموده اند:

«نماز جماعت واجب شده تا اخلاص، توحید، عبادت و اسلام اظهار شود و همین اظهار بر اهل عالم حجت را تمام کند و بر منافق و کسی که نماز را سبک می شمارد، اتمام حجت گردد... و نیز شهادت مردم به عدالت یکدیگر جایز و ممکن باشد. همچنین جماعت که تعاون، بر و احسان است بازدارنده از گناهان می باشد.»^(۳)

دو نکته درباره امام جماعت

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده است:

«اگر خواستی پشت امام جماعت قرار گیری، تا وقتی که صف

۱- جامع احادیث، ج ۴، ص ۴۵۰.

۲- بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۴.

۳- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲؛ بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۲.

اول خالی است، در صف دوم قرار نگیر.»^(۱)

۲ در جای دیگر فرموده است:

«هرگاه امام جماعت شدی، نماز را طولانی نکن و سبک تر بخوان، به خاطر رعایت حال مأمومین؛ ولی اگر تنها نماز می خوانی، هر چه خواستی سنگین تر و طولانی تر بخوان؛ زیرا این کار عبادت واقعی است.»^(۲)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۹۰.

۲- بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۰۳.

نماز جمعه

یکی از اجتماعات خیلی با ارزش و مهم مسلمانان، نماز جمعه است.

امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در ترسیم جایگاه ویژه نماز می فرمایند:

«در نماز جمعه، خطبه به این جهت قرار داده شده که چون نماز جمعه یک حضور همگانی است، خداوند چنین اراده کرده تا به حاکم مسلمانان امکان دهد که مردم را نصیحت کند و به اطاعت ترغیب نماید و از معصیت بترساند و آنان را بر آن چه مصلحت دین و دنیایشان است آگاه سازد و آن چه را در نقاط دیگر اتفاق می افتد و در سرنوشت آنان موثر است به اطلاع آن ها برساند، همچنین دو خطبه قرار داده شده است تا در یکی حمد و ثنای خداوند انجام شود و در دیگری آن چه از فرمان و نهی خداوند که به صلاح جامعه است، اعلام شود.»

نماز عید

مامون از حضرت درخواست کرد که با مردم نماز عید بگذارد تا با ایراد سخترانی وی، آرامشی به قلبشان فرو آید و با پی بردن به فضایل امام، اطمینان عمیقی نسبت به حکومت بیابند.

امام (علیه السلام) به مجرد دریافت این پیام، شخصی را نزد مامون روانه ساخت تا به او بگوید مگر یکی از شروط ما آن نبود که من دخالتی در امر حکومت نداشته باشم. بنابراین مرا از نماز معاف بدار. مامون پاسخ داد که من می خواهم تا در دل مردم و لشکریان، امر ولایت عهدی رسوخ یابد تا احساس اطمینان کنند و بدانند خدا چگونه تو را بدان برتری بخشیده است.

امام رضا (علیه السلام) دوباره از مامون خواست تا او را از آن نماز معاف بدارد و در صورت اصرار، شرط کرد که من به نماز آن چنان خواهم رفت که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) با مردم به نماز می رفت.

مامون پاسخ داد که هر گونه می خواهی برو.

از سوی دیگر، مامون به فرماندهان و همه مردم دستور داد که قبل از طلوع آفتاب بر در منزل امام اجتماع کنند. از این رو، تمام کوچه ها و خیابان ها مملو از جمعیت شد. از خرد و کلان، از زن و مرد همه با اشتیاق گرد آمدند و همه فرماندهان نیز سوار بر مرکب های خویش در اطراف خانه ی امام به انتظار طلوع آفتاب ایستادند.

همین که آفتاب سر زد، امام (علیه السلام) از جا برخاست، خود را شست و شو داد و عمامه ای سفید بر سر نهاد. آن گاه با معطر

ساختن خویش با گام‌هایی استوار به راه افتاد. امام از کارکنان منزل خویش نیز خواسته بود که همین گونه به راه بیفتند.

همه در حالی که امام را حلقه وار در برگرفته بودند، از منزل خارج شدند. امام سر به آسمان برداشت و با صدایی چنان نافذ چهار بار تکبیر گفت که گویی آسمان و در و دیوار شهر تکبیرش را پاسخ می‌گفتند. فرماندهان ارتش و مردم که منتظر ایستاده و خود را به بهترین وجهی آراسته بودند. امام با اطرافیانش پابرنه از منزل خارج شد، لحظه‌ای دم در توقف کرد و این کلمه‌ها را بر زبان جاری ساخت:

«الله اکبر، الله اکبر علی ماهدانا، الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمه الانعام، و الحمد لله علی ما اولینا».

امام این‌ها را با صدای بلند می‌خواند و مردم نیز هم صدا با او تکبیر می‌گفتند. شهر مرو، یک پارچه تکبیر شده بود و مردم تحت تاثیر آن شرایط به گریه افتاده، شهر را زیر پای خود به لرزه انداخته بودند.

چون فرماندهان ارتش و نظامیان با آن صحنه مواجه شدند همه بی اختیار از مرکب‌ها به زیر آمدند و کفش‌های خویش را هم از پایشان درآوردند.

امام به سوی مصلی نماز حرکت کرد ولی هر ده قدمی که به پیش می‌رفت، می‌ایستاد و چهار بار تکبیر می‌گفت. گویی که در و دیوار شهر و آسمان همه پاسخش می‌گفتند.

گزارش این صحنه‌های مهیج به گوش مامون می‌رسید و وزیرش «فضل بن سهل» به او پند می‌داد که اگر امام به همین شیوه راه خود را تا جایگاه نماز ادامه دهد، مردم چنان شیفته‌اش

خواهند شد که دیگر ما تامین جانی نخواهیم داشت. بنابراین، بهتر است او را از نیمه راه برگردانیم.

مأمون نیز همین گونه با امام رفتار کرد. یعنی او را از رسیدن به جایگاه نماز بازداشت و پیش نماز همیشگی را مامور گذاردن نماز عید کرد.

در آن روز وضع مردم بسیار آشفته شد و صفوفشان در نماز دیگر به نظم نیوست.

در این جا ذکر دو نکته لازم است:

۱ تأثیر عاطفی ماجرا و پایگاه مردمی امام

اکنون که دوازده قرن از آن ماجرا می گذرد، هنوز که این داستان را می خوانیم چنان دچار احساسات می شویم که گاهی وصف ناپذیر است. حال ببینید آنان که در آن روز خود شاهد ماجرا بودند چگونه تحت تأثیر قرار گرفتند.

دیگر نیاز به ذکر این نکته نیست که ماجرای نماز عید درست مانند ماجرای نیشابور حاکی از گسترش موقعیت امام در دل های مردم بود.

۲ چرا مأمون خود را به مخاطره افکند؟

اگر هدف مأمون از آن اصراری که نسبت به رفتن امام به نماز می ورزید این بود که می خواست اهل خراسان و نظامیان را فریب دهد و اطمینان آنان را نسبت به حکومت خود جلب کند، بدیهی است که بازگرداندن امام از نماز پس از پدید آمدن آن شرایط هیجان انگیز و آن جمعیت سیل آسا، برای مأمون مخاطراتی در برداشت. چه این که معنایش به خشم آوردن هزاران هزار مردمی بود که در اوج هیجان و احساسات قرار گرفته بودند.

بنابراین، اگر مامون از مجرد نماز گزاردن امام (علیه السلام) بیم داشت، پس به چه دلیل آن همه اصرار کرده بود که نماز عید را حتماً او برگزار کند؟ و اگر نمی ترسید، پس چرا از طوفان احساساتی که در میان مردم برانگیخت، وحشت زده شد؟

در ظاهر، دلیل وحشت مامون چیزی بالاتر از همه این ها بود. او ناگهان متوجه شد که نکند وقتی امام بر منبر رود با توجه به آن آمادگی که در نهاد و احساس مردم ایجاد کرده بود، خطبه ای بخواند که مانند جریان نیشابور اعتقاد به خویشتن را از شروط یکتاپرستی معرفی کند. در آن روز امام درست در زئی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) در برابر مردم ظاهر شده و به گونه ای مردم را تحت تأثیر قرار داده بود که به قول «فضل بن سهل» جان مامون و اطرافیانش را سخت به خطر می انداخت. آنان می ترسیدند که امام (علیه السلام) در آن روز مرو را که پایتخت عباسیان بود، به مرکز ضد عباسی تبدیل کند. بنابراین، مامون ترجیح داد که امام را از نماز بازگرداند و تمام مخاطره های این کار را نیز بپذیرد. چه هر چه بود زیانش به مراتب برایش کمتر بود.

منابع:

۱ قرآن کریم.

۲ آملی، عبدالواحد، مترجم محمدعلی انصاری قمی، غررالحکم و دررالکلم، چ تهران.

۳ خامنه ای، سیدعلی، از ژرفای نماز.

۴ خمینی، سید روح الله، سرالصلواه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره

۵ دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، مرکز نشر کتاب.

۶ الامام الرضا (علیه السلام)، علی ابن موسی، فقه الرضا، مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا (علیه السلام)

۷ رضی، محمد ابن احمد (ذی المناقب) ترجمه فیض الاسلام، نهج البلاغه، تهران ۱۳۹۲ (ه.ق)

۸ سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام).

۹ شیبانی، ابی عبدالله، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۰ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، ثواب الأعمال، تهران ۱۵۴.

۱۱ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، کتاب الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳.

۱۲ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.

۱۳ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالصعب.

۱۴ طبرسی، فضل ابن حسن، مجمع البیان، کتابفروشی اسلامیة.

١٥ عاملی، محمد ابن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبقة الخامسة، ١٤٠٣ (ه.ق)

١٦ عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا (علیه السلام)، مؤسسه طبع و نشر آستان قدس رضوی، ١٤٠٦ (ه.ق)

١٧ غزالی، ابی حامد محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.

١٨ فیض کاشانی، محسن، المحججه البیضاء، خ تهذیب الإحياء، قم، انتشارات اسلامی.

١٩ قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

٢٠ قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال.

٢١ کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، بیروت، دارصعب.

٢٢ ملکی تبریزی، میرزا جواد، ترجمه رضا رجب زاده، اسرار الصلاة، تهران، انتشارات پیام آزادی.

٢٣ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ١٤٠٣ (ه.ق).

٢٤ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ١٤٠٨ (ه.ق).

٢٥ نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة.

٢٦ نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، قم، انتشارات دارالتفسیر.

٢٧ هندی، علی ابن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال.

مجموعه کتاب های ره توشه:

آستان دوست

آئین محبت

باران فضیلت

برهان قاطع

پیروز حقیقی

جلوه وصال

حکایت آفتاب

خورشید شب

در دامان مهر

شرح بی نهایت

صحیفه صحت

نشانی بهشت

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹